

با تمام توان خود مساهمت
ارتجاعی جنگ را افتاء و با
سازماندهی مقاومت مسلحانه از
منافع زحمتکشان دفاع کنیم

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۸۹

پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

لیبرالها، پرچمداران دروغین آزادی

ارتجاعی حرب جمهوری اسلامی (یعنی
حزبی که به نفی آشکار دمکراسی، به نفی
صریح ابتدائیترین حقوق و آزادیهای
سیاسی تودهها و به سرکوب خشن و
قهرآمیز تودهها پرداخته است) -
بقیه در صفحه ۴

این روزها فریادهای "آزادبخواهی"
لیبرالها این دشمنان خلق از هر
کوشه و کنار بلند شده است. لیبرالها
که در فریب و تحمیق تودهها استادند،
این بار نیز در شرایطی که تودهها به
مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه و

نگاهی به سیاستهای حکومت جمهوری اسلامی در مورد مسئله زمین

در دوران انقلاب و عمدتاً پس از قیام
بود که دهقانان و تودههای زحمتکش
روستائی میهنمان، آرام آرام، بیدار
شده و جنبش دمکراتیک و انقلابی رادیکالتر
نقاط ایران برپا داشتند. دهقانان
زحمتکش که مدت‌های طولانی زیر سلطه
حکومت شاه و دولت شاهنشاهی، استثمار
و ستم خوانین و ملاکین را تحمل نموده و به
زندگی فلاکت باری تن داده بودند، با
سست شدن پایه های حکومت منقور شاه،
تدریجاً به جنب و جوش آمده و برای تغییر
شرایط اجتماعی زندگی خویش و برای
کسب زمینهای که قبلاً مالکین باتکبه
بر سر نیزه رژیم شاه و انواع دوز و کلکهای
با اصطلاح "فانونی" از آنان ربوده بودند
حرکتهای وسیعی را آغاز کردند.
دهقانان با وجود تردیدهای که
نسبت به روش حکومت جمهوری اسلامی
در برخورد با زمینداران بزرگ داشتند،
اما تبلیغات این حکومت در ابتدای کار
خوشبینی‌هایی نا صحیح و توهماتی رادیکال
دهقانان ایجاد نمود. آنها فکر میکردند
که حکومت جدیدی که به نیروی مردم
و جانفشانهای آنان بر روی کار آمده،
حکومتی است که از مبارزات دهقانان بر
علیه زمینداران بزرگ حمایت کرده و
با اعمال حاکمیت خود در روستاها، جنگال
خونین زمینداران بزرگ و ملاکین، این
بقیه در صفحه ۲

عوام فریبی هیأت حاکمه در رابطه با مبارزات دانش آموزان جهت شکستن جو اختناق در مدارس

محکوم شده است، از قبیل رخنه عناصر
ناباب در بین دانش آموزان، تفرقه
اندازی آمریکا، ونیز بنا م توطئه و
اغتشاش از آن یاد شده است. می بینیم
هر حرکت آزادیخواهان و اعتراض بر
بقیه در صفحه ۱۱

در چند روز اخیرا اعتراض دانش
آموزان انقلابی به فضای اختناق در
مدارس شدت یافت. و در پی آن چند
مدرسه تعطیل شد. این مبارزات بر حق
دانش آموزان از طرف سران رژیم و
مجریان سیاستهای آن عیناً و بن مختلف

رجائی دروغ می گوید!

صفحه ۱۲

در این شماره:

- اخبار کارگری
- گزارشهای روستائی
- پاسخ به سئوالات

اعتراض دانش آموزان علیه سیاستهای هیئت حاکمه در مدارس

صفحه ۱۳

ترور ۴ تن از رهبران خلق السالوادور، فاجعه ترور رهبر خلق ترکمن رازنده کرد.

صفحه ۱۶

● زحمتکشان ایران می پرسند:

میلیونها تومان
کمکهای مالی و
جنسی ما برای آوارگان
جنگ به کجا رفته است؟

صفحه ۷

تنها تسلیح تودهها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله
بهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

اتحاد پیروزمند کارگران آردل

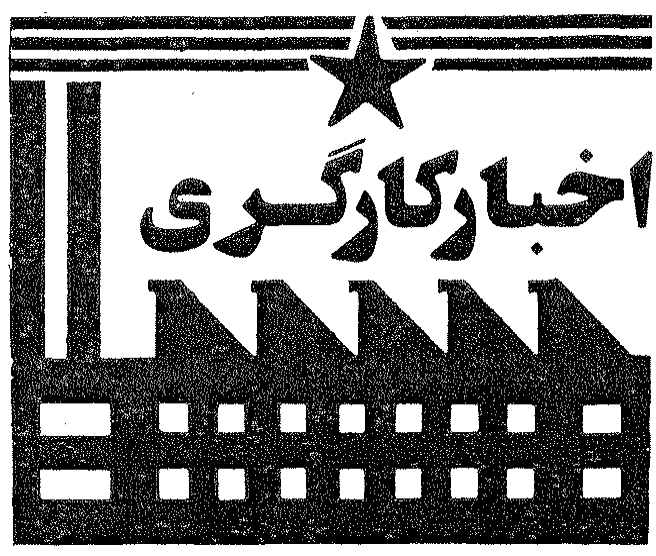
پرتز نمایند و خلاصه "خیرات و برکات" خود را از جنگ اضافه نمود و با رجنک سرمایه داران راه رچه بیشتر برگرد زحمتکشانشان بپند از ند تجربه روزمره زحمتکشانشان ماهیت استثمارگرانه دولت سرمایه داری را برایشان آشکارتر می گرداند ، یکی از نمایندگان شورابه فاطمی نژاد گفت "کارگران روضه خوانی شطراکوش کردند ، آنها حاضر نیستند حتی یک ریال از حقوقشان بگذرند ، ما اینجا میمانیم و شما هم مهمان ما هستید تا ما پول خود را از بانک بگیریم " . فاطمی نژاد سعی کرد ابتدا با فریب و بعد با تهدید کارگران را منصرف کند اما وقتی هیچیک از این شیوه ها در مقابل صف متحد کارگران موثر نیفتاد مجبوره تسلیم شد و کارگران مبارز "آردل" موفق شدند حقوق خود را از بانک دریافت کنند .

روز پنجم آبانماه ، کارگران کارخانه آردل به خاطر اعتراض به عقب افتادن حقوقشان در سالن نهارخوری کارخانه جمع شدند تا به سخنان شخصی بنام فاطمی نژاد از شورای هماهنگی صنایع مادر گوش دهند . این شخص پس از مقداری مقدمه چینی ، بالاخره نیت اصلی خود را آشکار ساخت و گفت : "در شرایط جنگی باید از حقوق پایسه کارگران کم شود " .

تجربه مبارزات کارگران آردل به انسان و سایر همزنجیرانشان بیشتری آموزد که در مقابل سرمایه داران و دولت حامی آنها تنها تشکل و آگاهی کارگران میتواند موثر باشد . هرکجا که کارگران از آگاهی و تشکل برخوردار باشند قادرند سرمایه داران و نمایندگانشان را وادار به عقب نشینی کنند .

زمنه اعتراض کارگران در مقابل این پایمال کردن آشکار حقوقشان ، اوج گرفت و فریاد و یکپارچه بدل گردید . کارگران گفتند ما یک ریال هم از حقمان نمیگذریم . فاطمی نژاد که جوابی در مقابل حرفهای برحق کارگران نداشت کوشید آنها را به صبر انقلابی دعوت کند ، او گفت : "قبول دارم که بعد از انقلاب برای کارگران هیچ کاری نشده . . . ولی در زمینه کشاورزی خیلی کار شده است و شما هم باید صبر کنید " .

اما کارگران هر روز پیش از پیش روی یابند که "شرایط جنگی" بهانه ای است که سرمایه داران و دولت حامی آنها میکوشند از آن بیشترین بهره را بگیرند ، بر استثمار کارگران بیفزایند ، از حقوقشان بکاهند ، با گران کردن و احتکار کالاها جیبهای گشادشان را



تجمع کارکنان

ایران ترمینال خرمشهر

مقابل مجلس شورا

نزدیک بد و هزار نفر از کارگران و کارمندان شرکت ایران ترمینال خرمشهر که در نتیجه جنگ غیرعادلانه ایران و عراق آواره و سراسر گردان شده اند ، روز یکشنبه در آذربایجان برای احقاق حقوق به بمجلس شورا مراجعه کردند . آنها خواستار سه ماه حقوق عقب افتاده خود ، کار و مسکن بودند . این گروه در ابتدا با سه پاسدار مسلح روبرو شدند که مانع ورودشان بمجلس شدند . آنها پنج نماینده انتخاب کردند و بداخل مجلس فرستادند اما بعد از مدت کوتاهی ، نمایندگان نزد همراهان خود برگشتند و گفتند ما در آنجا نمیتوانیم سخن بگوئیم ، افرادی که در آنجا هستند بفرمانیستند . کارگران و کارمندان که میخواستند به هر ترتیب هست بکارشان رسیدگی شود خواستار حضور نمایندگانشان شدند .

نمایندگانه مزبور جمع آنها آمد و پس از خواندن چند سوره از قرآن ، برخلاف انتظار کارکنان ، نه در باره خواستههای آنها بلکه در باره ضد انقلاب صحبت کرد . چرا که لابد از دید او کارگران و کارمندان که خواستار حق خود میشوند ، ضد انقلاب بحساب می آیند . تجمع کنندگان بدون هیچ نتیجه ای متفرق شدند .



افزایش حقوق مدیران خشم کارگران را

برانگیخت

شورای مرکزی گروه بر اساس نامه ای از سندیکا ، جلوپرداخت این اضافه حقوق را گرفت و مابه التفاوت آنرا نیز که از آبان ماه پرداخت شده بود به صندوق بازگرداند . جالب اینکه هیئت مدیره در جواب شورا گفت "از جریان خبرنداشتیم ، اینکار را مدیران قسمت کرد هاند " اما کارگران میدانند که مدیران بدون اطلاع هیئت مدیره نمیتوانند کاری بکنند . کارگران بخوبی دریافته اند که قانون قانون سرمایه داران است و در جهت تامین منافع آنها .

کارگران قسمت سراسیاب کفش ملی ، روز یکشنبه در آذربایجان افزایش حقوق مدیران کارخانه دست از کار کشیدند . این افزایش حقوق مدیران زمانی صورت میگیرد که برای پرداخت حقوق ناچیز کارگران هر روز میگویند پول نداریم ، در شرایطی صورت میگیرد که کارگران زیر بار مخارج زندگی خرد می شوند ، گرانی و کمبود بیداد میکند ، هر روز فقر زحمتکشانشان افزوده میشود . کارگران می پرسند چرا هر وقت ما حق خودمان را میخواهیم میگویند قانون اجازه نمیدهد . روز بعد از اینکه کارگران دست از کار کشیدند



سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرده

لیبرالها، پرچمداران...

بقیه از صفحه ۱

برخاسته اند، با پرچم دروغین "آزادی" و "دمکراسی" به میدان آمده اند تا بنام "آزادی" و "دمکراسی" مقاصد خائنه خود را عملی کنند و مبارزات زحمتکشان میهن ما را به انحراف بکشانند. واقعیت این است که "آزادی" و "دمکراسی" ادعایی لیبرالها سوای آن "آزادی" و "دمکراسی" است که توده ها میخواهند. لیبرالها "آزادی" را برای خیانت به خلق میخواهند.

"آزادی" از نظر آنها یعنی آزادی به بند کشیدن توده ها، آزادی در استثمار و غارت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان آزادی چسبیدن و لگری سرمایه داران، آزادی و سرکوب توده ها، آزادی تحکیم و تقویت هر چه بیشتر روابط با امپریالیستها و بازگذاشتن دست آنها در استثمار و غارت خلیفهای تحت ستم میهن ما است. این است معنای "آزادی" لیبرالها. اما توده های زحمتکش از آزادی - برداشت دیگری دارند، از نظر آنها آزادی یعنی سرکوب دشمنان خلق آزادی تشکیل شوراهای توده ای، آزادی فعالیت های سیاسی نیروهای انقلابی و مترقی، آزادی در سلب آزادی دشمنان خلق، آزادی برای کارگران یعنی آزادی در سلب مالکیت از سرمایه داران، آزادی تشکیل و فعالیت در سازمان های سیاسی خود و آزادی در سلب دهقانان یعنی زمین، یعنی سلب مالکیت و مصادره املاک زمینداران بزرگ و حق تشکیل آزادانه شوراهای اتحادیه های دهقانی و خلاصه "دمکراسی" که لیبرالها از آن دم میزنند یعنی حکومت سرمایه داران یعنی دیکتاتوری اقلیت محدود و استثمارگران علیه اکثریت جامعه، اما "دمکراسی" از دیدگاه توده های زحمتکش و در راس آنها طبقه کارگر مفهوم دیگری دارد. دمکراسی یعنی حکومت اکثریت عظیم جامعه، یعنی دیکتاتوری زحمتکشان علیه سرمایه داران، زمینداران و همسر دشمنان خلق.

ببینیم آیا تجربه زحمتکشان میهن ما جز این را به آنها آموخته است؟ همه ما بیا ددا ریم که چگونه با زرگان یعنی همان کسی که امروز مدافع "آزادی" و "دمکراسی" شده است از ابتدای نخست وزیری خود به مخالفت با اعدام عناصر سرسپرده و مزدوران منفور رژیم پهلوی برخاست و تمام سعی خود را در جلوگیری از اعدام آنها بکار گرفت. اما این عناصر نجان رسوا و منفور بودند که حاکمیت در زیر فشار توده ها چاره ای جز اعدام آنها نداشت همه بخاطر داریم زمانی که کارگران و زحمتکشان در اوج مبارزات خود به مصادره کارخانجات و بدست گیری تولید و توزیع می پرداختند، زمانی که دهقانان پس از سالها تحمل ستم زمینداران دست به مصادره زمینها میزدند، با زرگان این اعمال را خلال

قطب زاده سعی کرد تا می توانست متری را از ادیوتلوویزیون تصفیه و اخراج نماید و چگونه به مقابله با هرگونه شورادراین دستگاه پرداخت. سانسور و اختناق حاکم بر ادیوتلوویزیون در زمان تصدی قطب زاده و تهدیدهای هر روزه او بر ضد مطبوعات در آن دوره از یادمان نرفته است. دشمنی و کینه او نسبت به کارگران و زحمتکشان، نسبت به نیروهای انقلابی را از یاد نبروایم.

بنی صدر نیز هدفش از فریب ده های "آزادی" و "دمکراسی" چیز متفاوتی نیست. همه شا هدیده ایم که بنی صدر چگونه بر نظریه "شورا بی شورا" یا فشاری می کرد و شوراهای کارگران و دهقانان را که دشمن درجه یک مدیران و سرمایه داران میدانست منحل اعلام کرد یا دمان هست که بنی صدر چگونه در مقابل کشتار رهبران خلق ترکمن لاپوشانی و سکوت پیشه کرد و در عوض حمله و حشانه به ترکمن صحرا و نابود کردن شوراهای دهقانان زحمتکش آن سامان را سازمان داد. جنگ و حشانه و سرکوب و کشتار خلق کرد را که یادستور مستقیم بنی صدر انجام گرفت فرا موش نکرده ایم و یا دمان هست که بنی صدر کشتار و حشانه ها نگاه، آن شب خونین را سیادت جمهوری اسلامی نامید.

بنی صدر "آزادی" کودتا چیان را می خواهد و با دست خود سران کودتا را پس از "دلجوئی" به ارتش بازمیگرداند بنی صدر از خاطرات روزانه خود (کارنامه رئیس جمهور) آرزوهای "آزادخواهان" خود را چنین بیان میکند "آزادخواهان" نیست بجای اینکه مردم سرگرمیشان اعدام و مصادره شود، سرگرمیشان حماسه های شکر و سپاس ما تند بگردد."

(انقلاب اسلامی - شماره ۱۲ آذر) یعنی اینکه، آیا بهترین سیاست کودتا چیان و سایر سرسپردگان و مزدوران امپریالیسم بجای محاکمه و اعدام آزاد شوند (ها نظر) که آزاد شد (آزادخواهان) بهترین نیست ملک و املاک کارخانجات و سرمایه ها و خانه ها و زمین های سرمایه داران و زمینداران در کمال "آزادی" متعلق به خودشان بماند و مردم هیچگونه چشمداشتی به آن نداشته باشند و کلاً آیا بهترین نیست مردم از اعدام مزدوران و سرسپردگان امپریالیسم و از مصادره اموال سرمایه داران و زمینداران چشم پوشند و در عوض سرشان به حماسه هایی چون ریختن بمب و راکت بر سر شهرها و روستاها، کشتار زحمتکشان، نابودی کارخانجات و صنایع و کلاً جنگ ارتجاعی دولت ها گرم شود.

بنی صدر می گوید: "آزادخواهان بهترین نیست بجای کینه ورزیدن... مهربور زنده، بهترین نیست بجای مادیت خشون، خشونت مادی به معنویت اسلام... بیاز گردند" (همانجا) یعنی اینکه آیا بهترین نیست، کارگران در عوض نفرت و کینه طبقاتی نسبت به سرمایه داران و کارفرما و اوردوست داشته باشند و اجازه دهند در

بقیه در صفحه ۱۰

خرابکاری و تضعیف دولت می نماید و کوچکترین تعرضی به سرمایه ها و کارخانجات و املاک به مخالفت می پرداخت. همه بخاطر داریم که چگونه با زرگان شوراهای را تحت پوشش "دخالت بیجا" در کار مدیران سرکوب نمود. با زرگان کسی است که خواهان "آزادی" مزدوران گشایی چون هویدا شد. با زرگان کسی است که میخواهد رضایی ها، خیا می ها و سرمایه داران وابسته دیگری که سالیان سال خون خلق ایران را میکده بودند، به ایران بازگردند و "آزادانه" به چسبیدن و غارتشان ادامه دهند. و با فرار دادن بختیار از "مرزبازرگان" باعث شد تا این مزدور خائن بتواند در کمال "آزادی" به خدمت هر چه بیشتر برای امپریالیستها بپردازد. با زرگان کسی است که میخواهد ملاقات با برژینسکی و روابط هر چه صمیمانه تر با آمریکا آزاد باشد و بالاخره مهم تر از همه با زرگان کسی است که جا سوسوسان آمریکائی و سرسپردگان رژیم شاه را در راس مقامات حساب گماشت. پس کار ملا روشن است که با زرگان "آزادی" را برای مزدوران امپریالیسم، سرمایه داران وابسته و حامیان آنها میخواهد، منظور او از آزادی همانا، آزادی استثمار و غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان و آزادی بسط و گسترش و تحکیم روابط با امپریالیستها است.

منظور قطب زاده از "آزادی" از اینهم روشن تر است. مثلاً قطب زاده خواهان "آزادی" گروگانهاست. او از ابتدای ماجرای سفارت فریاد آزادیخواهی خود را به خاطر گروگانها بلند کرده بود، قطب زاده می خواهد همه جاسوسان و سرسپردگان امپریالیسم (یعنی تمام افرادی که از قماش خودا هستند) "آزاد" باشند. کلاً "قطب زاده خواهان" "آزادی" روابط حسنه با آمریکا است. قطب زاده میخواهد با زسازی و گسترش هر چه سریعتر روابط ایران با امپریالیسم "آزاد" باشد.

پس کار ملا روشن است که قطب زاده نیز "آزادی" را برای مزدوران امپریالیسم سرمایه داران و وابسته و حامیان آنها میخواهد و منظور او از "آزادی" همانا، "آزادی" سرکوب توده های زحمتکش و نیروهای مترقی، "آزادی" برقراری خفقان و اختناق و "آزادی" بسط و گسترش و تحکیم روابط با امپریالیستها است. نام قطب زاده یادآور سانسور و خفقان است. همه بیا داریم که چگونه

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



درگیری بین صیادان و پاسداران در کلاچای

صیادان کلاچای رود سر، روزنهم از ر ماه برای صید بد ریا میروند که با حمله پاسداران مسلح روپر و میشوند. اهالی زحمتکش روستا که عمدتاً کشاورز و صیاد هستند و نیز فرزندان دانش آموزان آنها به حمایت از این صیادان برخاستند چرا که خوب میدانستند آنها را ناچارند برای سیرکردن خود و خانواده شان دست به صید بزنند، آنها با خوبی در کلاچای بودند که رژیم جمهوری اسلامی صید را ممنوع اعلام کرده اما کار دیگری برای تامین زندگی صیادان در نظر نگرفته است. آن روزین مردم زحمتکش روستا و پاسداران سرمایه درگیری رخ داد، مثل همیشه یکی از صیادان با تیرهوائی! پاسداران مجروح و روانه بیمارستان شد و تعدادی دیگر از صیادان و چند دانش آموز نیز دستگیر شدند.



گزارشهای روستائی

مبارزه پرشور دهقانان روستای "لاتک" برای حفظ شورا

دهقانان زحمتکش روستای "لاتک" با اتحاد و مقاومت یکپارچه و حفظ شورای خود، در مقابل توطئه ها و دسیسه های زمینداران و حامیانشان ایستادگی میکنند. روستای "لاتک" در جنوب رحیم آباد از بخش های شهرستان رود سر واقع است و زندگی اهالی آن عمدتاً از راه کشت چای و برنج و تاحدی دامپروری میگردد. زمینهای این روستا قبل از زفر فرم ارضی شاه، در دست فتودالی بنام ابوالحسن اسحاق پور بود و او بعد از زمینها را در اختیار شخص بنام حاج محمد اسلامی قرار داد و حاج اسلامی در تمام این سالها به آزار و استعماردهقانان میپرداخت. بعد از قیام خونین بهمن ماه مردم زحمتکش "لاتک" شورای ده را تشکیل دادند و زمینهای حاج اسلامی را که بالغ بر ده هزار هکتار باغچای بود مصادره کرده و بصورت شورائی روی آن کار میکردند. یکبار دادگاه انقلاب رود سر بفرموده دهقانان رای داد اما اسلامی بیکارنشست و وقتی رئیس دادگاه عوض شد و شیخ محمد علی گرما بهدشتی که از دوستان نزدیک فتودالهای منطقه

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی! در رژیم جمهوری اسلامی

از تاریخ ۵۹/۹/۱۲ در زندان اوین (بند ۳) اعتصاب غذای نامحدود از جانب نیروهای انقلابی دستگیر شده آغاز شده است. شرکت کنندگان در اعتصاب حدود ۴۰ نفر میباشند. خواسته های برحق آنان شامل موارد زیر است:

- ۱- ایجاد یک بند سیاسی جدا از زندانیان رژیم گذشته
- ۲- رسیدگی به پرونده زندانیان بلا تکلیف و زندانیانی که محکومینشان تمام شده و هنوز در زندان سربسته اند.
- ۳- برگرداندن رادیوها و کتابهای جمع آوری شده از داخل زندان و همچنین اجازه ورود کتابهایی که خانواده زندانیان می آورند.
- ۴- برگرداندن زنان زندانی اوین که به زندان قصر منتقل شده اند و رفع فشار و تضییقاتی که به آنان وارد می شود.

آری این فرزندان صدیق خلق که سالها در رژیم گذشته به مبارزه برخاسته بودند، اکنون نیز پس از قیام خونین خلق در زندانها بسر میبرند و تنهایی جرم آنان ارتباط با سازمانهای انقلابی یا فروش نشریات سازمانهای انقلابی و آگاهی دادن به زحمتکشان است.

دولت جمهوری اسلامی در حالیکه سرسپردگان رژیم گذشته را به بهانه های مختلف از زندانها آزاد می کند هر روز چند هزار نفر از فرزندان انقلابی خلق زحمتکش را به بند می کشد.

ما از تمام نیروهای مترقی و انقلابی می خواهیم ضمن افشاکری مداوم درباره زندانیان رژیم و کیفیت جرمهای زندانیان سیاسی که گاه در حدیخس یک اعلامیه یا فروش یک نشریه است حقایق را با اطلاع خلق قهرمان ایران برسانند و خواستار آزادی این زندانیان بشوند.

است - و در "کار" ۳۸ نیز در خبر مربوط به روستای پیانغوزین از زندانیان اوین یاد کرد. بودیم - رئیس دادگاه انقلاب اسلامی رود سر شد و از همان روزهای اول بدفاع از اسلامی پرداخت و دهقانان را به دادگاه احضار کرد اما دهقانان مقاومت میکردند، او یکروز فتواداد که "زمین مال امام زمان است" ماهم نماینده امام زمان هستیم و شما باید ما اجاره بدهید" این فتوا با تمسخر دهقانان که بهتر از هر کسی میدانند که زمین مال کس است که روی آن کار میکند روپوشد. رئیس دادگاه متوسل به حیل دیگری شد و گفت: خدا را خوش نیاید، ایشان زحمت کشیده اند! با غرابت تقسیم کنید، نصف مال شما، نصفش هم مال ایشان" که باز هم مقاومت دهقانان روپوشد.

روستائیان "لاتک" هنوز به کشت شورائی خود ادامه میدهند و زمیندار رود ادگاه حامی او نیز هر روز دست به توطئه تازه ای میزنند اما اتحاد و یکپارچگی دهقانان تا بحال تمام این دسیسه ها را خنثی کرده است.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

زحمتکشان ایران می پرسند: میلیونها تومان کمکهای...

بقیه از صفحه ۸



خرم آباد ۳/۹/۵۹
صف آوارگان جنگ، در برابر اداره گل
کا راستان لرستان .
آنها و هزاران نفر دیگر از آوارگان

روزهای متما دی در صف های مشابه
می ایستند تا یک تخته پتو و مقاداری
برنج و نفت و روغن - اگر گریبیا بسود
مسئولان بدهند - بگیرند .

خوبش به نفع آنها صرف نظر کرده اند مثلا
چند محله ، خرید میوه و سبزیجات را برای
خودی ها تحریم کرده اند تا به جنگزده ها
برسد . دولت خیلی سعی کرده که کمبود
مواد غذایی را به گردن آوارگان
بیندازد و مردم شهر و آنها را رو در روی
یکدیگر قرار دهد اما این تبلیغات
بدلیل آگاه بودن اکثریت مردم شهر
خنثی شده است . دولت اکنون مدتی
است که با تمام وسایلی که در اختیار
دارد وسیع سعی میکند آوارگان را به
شهرهای دیگر منتقل کند و اینطور وانمود
میکند که در آنجا ها همه چیز فراهم است و
در آسایش کامل خواهند بود . ولی توده
های آوارگان یکپارچه و متحد جواب
میدهند : " شما دروغ میگویید ، مگر تبلیغ
نمیکنید که در جنگ با عراق به پیروزی
های چشمگیری نایل شده اید پس چگونه
ارتش عراق ممکنست به اینجا بیاید ،
مردم اینجا چه میشوند ؟ نیرویتان را
کجا برده اید ؟ شما عوام فریبید ! اگر
راست میگویید پس چرا به آوارگان
بهبهان و اصفهان و شیراز و جاهای
دیگر نه تنها رسیدگی نمیکنید بلکه
زیرشان آب باز میکنید و آنها را کتیک
بیزنید . شما میخواهید ما را با زهم
آواره ترک کنید . شما کلک بازید ، میخواهید
ما را از هم دور کنید تا در بیا یا نهایی پر
ما رو عقب جیرفت خیلی راحت سرمان
را زیر آب کنید و کسی خبر نشود . ما هم
اینجا با هم خواهیم ماند و گرنه ما را به
آبادان بفرستید ما حاضریم زیر خمپاره
و راکت بمیریم " دولت در جواب میگوید :
" هر که برود معلوم است مطمئن است و
هر که نرود معلوم میشود مسلمان نیست
و ما او را مثل یک کافر و زوربیسرون
خواهیم برد . وضعیت آوارگان و آوارگان
جنگ ، نحوه ریست و بهداشت آنان شانه

های عینی و سندهای زنده کوبنده ای
هستند برای نشان دادن ماهیت هیئت
حاکمه و مستی است بردها ن در یوزگان
آستان بورژوازی .

رقعا، هواداران!

با تمام توان خویش بیاری آوارگان
جنگ بشتا بیم و حماسه های نوینی از
عشق به خلق و نفرت به ضد خلق بیا فرییم
در تمام شهرها و مناطق اسکان آوارگان
گان ، توده ها را در "شوراهای مستقل
آوارگان" متشکل سازیم این شوراهای
خود کمیته هایی چون کمیته های
ارزاق ، پوشاک ، سوخت ، امداد پزشکی
و بهداشت تشکیل میدهند . وظایف هر
یک از کمیته ها با این شرح است :

- ۱- کمیته ارزاق - جمع آوری و
توزیع عادلانه ارزاق عمومی و همچنین
نظارت بر پخت جمعی غذا و توزیع آن .
- ۲- کمیته پوشاک - با در نظر گرفتن
نیاز کودکان زنان باردار و افراد
مسن تقسیم پوشاک متناسب با نیاز
زحمتکشان صورت گیرد .
- ۳- در صورت امکان ایجاد مراکز
درمانی ، آموزش کمکهای اولیه ،
آموزش بهداشت ، تعبیه فاضل آبهای
بهداشتی و ایجاد مراکز جمع آوری زباله
با فاصله ای دور از مناطق مسکونی
تنظیم برنامه روزانه برای استفاده از
شیرهای آب و استحمام را سا زمان دهیم
با وسایل ابتدائی مثل احتی با یک
لامپ کوچک وسیله ای برای گرم کردن
گرمی بوجود آوریم (در صورت وجود برق
بعلاوه آگاه ساختن زحمتکشان به
حقوق واقعی آنان و وظیفه همیشگی مناس
نواهد بود .

ترور چهارتن از رهبران خلق السالوادور

بقیه از صفحه ۱۶

ورئیس جمهور دخالت در قتل را "قویا
تکذیب میکنند" اما البته اظهارات
هم از قتل آنان نمیکند! و اینجا هم
دولت "انقلابی" از مردم میخواهد ،
ادعای آنها را باور کنند! نگاههای ما
دو واقعه با بیست هزار کیلومتر فاصله
و با یک فاصله زمانی ده ماهه نشان میدهد
که همه چیز مثل هم و رو نوشت برابر
اصل است! عجیب است که نیروهای ضد خلقی
حق در اجرای نقشه های جنایتکارانه
به همدیگر تاسی میکنند .

اما همانطوریکه خلق ترکمن ،
خلق کرد ، ... و خلاصه همه خلقهای
ایران دورنمای حاکمیت را باور
نکردند خلق السالوادور حتی لحظه ای
در صحنه سازی شک نکرد . اما با یک
تفاوت مهم آن اینکه در آنجا جنبش
انقلابی السالوادور نه تنها از این
ضربه گنج نگشت و مانند پورتوئیستهای
"کمیته مرکزی" دچار انفعال و سازش نشد .
و به توجیه حاکمیت بر نیامد ، و از عاظمین
فاجعه نخواست تا "مسئله را پیگیرانه
دنیا ل کنند" بلکه با تشدید مبارزه
انقلابی ویژه خویش ، کشتار رهبران
انقلابی خود را به عا ملی برای اعتلای
خشم و نفرت توده ها نسبت به رژیم
السالوادور و امپریالیسم امریکا بدل
کرد . آنان با تشدید عملیات قاطعانه
و مبارزاتی خویش ضربات کتاری
و ارزشمندی بر نیروهای گارد ملی وارد
آوردند . از هشتم آذرماه به اینطرف
شاهد و جگیری مبارزات انقلابی خلق
السالوادور به رهبری "بلوک انقلابی"
که یک جبهه ضد امپریالیستی دمکراتیک
است هستیم . خیرگزاریه اعلام کردند
که "دنیا ل قتل رهبر چپ گرا ،
انفجارهای شدید بمب ، شهرساز سالوادور
را به لرزه در آورده است . " و هر روز
ضربات تازه ای بر پیکر رژیم نظامی
السالوادور زده میشود .

این واقعیتی است که رژیمهای ضد
خلقی از همه تجربیات ملی وجهانی و ضد
انقلاب برای سرکوب خلقها استفاده
میکند تا چند صبا حی دیگر به حاکمیت
ننگین خود ادامه دهند . اما این درس
بزرگ تاریخ است : آنچه در رونند
حرکت تاریخ تعیین کننده است مبارزه
خلقهاست . آنها با بهره جستن از
تجربیات جنبش کارگری و آزادی بخش
در سراسر جهان و با تکیه بر همبستگی
جهانی و انترناسیونالیسم پرولتری
سراخا میوزر حکومتها را ضد خلقی را
بخاک مالیده و حکومت زحمتکشان را
برقرار خواهند کرد .





زحمتکشان ایران می پرسند:

میلیونها تومان کمکهای مالی و جنسی ما برای آوارگان جنگ به کجا رفت است؟

بیش از یک میلیون نفر از زحمتکشان جنوب و غرب کشور که در نتیجه جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق بیخانمان شده اند، اکنون در حاشیه شهرها و قصبات کوچک و بزرگ پراکنده شده و در وضعیت اسفباری بسر میبرند، بیماری، گرسنگی و سرما زندگی همه آنها را به نابودی تهدید میکند. توده های زحمتکش سراسر کشور با ایثار و از خودگذشتگی از شکم خود و بچه های پیشان زده اند و آذوقه و پوشاک خود را برای زحمتکشان آواره جنگ فرستاده اند. این کمکها از طریق ارگانهای حکومتی و سایر نهادهای وابسته به آن از قبیل مساجد و بسیج ارسال شده اند با این امید و اعتماد که زحمتکشان آواره را از گرسنگی و سرما برهانند ولی اکنون با بررسی وضعیت آوارگان جنگ که به سر بند در رفته اند بعنوان مثالی نمونه خروار بیشتر در می یابیم که آوارگان نه تنها از کمکهای ارسالی زحمتکشان کشور برخوردار نشده اند بلکه زندگی آنها در معرض خطرات جدی قرار گرفته، و حتی از طرف مسئولین و وابستگان آنها مورد توهین و ضرب و شتم نیز قرار میگیرند. وقتی ارتش ضد خلقی عراق به مرز شلمچه رسید، زحمتکشان روستای شلمچه بدلیل نداشتن هیچگونه وسیله دفاعی، با حداقل وسائل زندگی به خرمشهر کوچ کردند و پس از پیشروی عراق و شدت حمله به خرمشهر (که تراکم جمعیت موجب تلفات جانی بسیار شد) سرمایه داران، تجار، زمینداران و مالکان با اولین حمله ها اناشیه و وسایل خود را با رگ کرده و به ملاک و مستغلات خود در مناطق بی خطر رهسپار شدند. ولی زحمتکشان خرمشهر که اکثریت آنها را توده های محروم طبق عرب تشکیل میدهند به کمی دورتر از مناطق جنگی و به نزدیکترین مناطق مسکونی رفتند. این توده ها ابتدا در "دارخوین" و "مارد" در جاده آبادان - اهواز ساکن یافتند و سپس به "شادگان" و "سربندر" کوچ کردند. با حمله عراق به آبادان، به آواره های این مناطق توده های عظیم زحمتکشان آبادان نیز الحاق شدند.

از جمعیت آوارگان، توده های فقیر و زحمتکش و روستائینی که عمدتاً عرب هستند جزء آخرین گروههایی بودند که

شهرها را ترک کردند و عمدتاً در شادگان، سربندر، ماهشهر و در صدکمی از آنان نیز در بهبهان و رامهرمز سکنی گزیدند. وضعیت سربندر

سربندر شهر نوسازی است که در انتهای جاده آبادان - ماهشهر در ۱۵ کیلومتری ماهشهر و در ۹۰ کیلومتری آبادان قرار دارد و در زمان رژیم گذشته برای اسکان دادن افرادی که در بندر امام خمینی "شاهپور سابق" مشغول بکار هستند ساخته شده است. چون بندر "امام خمینی" از نظر جغرافیائی و وجود تاسیسات شیمیائی از امکانات کمتری برای زیست برخوردار است بهمین دلیل کارکنان مجتمع شیمیائی بندر، در سربندر سکونت دارند. شهر طبقه بندی شده است. کارمندان بندر در یک قسمت، کارگران در قسمت دیگر، کارکنان گمرک در یک قسمت و... خانه های گمرک، خانه های بندر، صد دستگاه کسه عمدتاً از دارندگان شغل آزاد تشکیل می شود، ویلیام بهراه (که عمدتاً بازاری ها، کارگران آزاد و... ساکن هستند)، خانه های فرهنگیان هفتصد و هفت دستگاه، بلوکی ها و... اهلالی سربندر را عمدتاً کارگران و کارمندان بندر "امام خمینی"، کارکنان گمرک و فرهنگیان و بازاریان تشکیل میدهند. این شهر در حدود ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد و اکنون ۴۵ هزار نفر آواره جنگی نیز به ساکنان شهر افزوده شده است.

توده های آواره وقتی به شهر وارد شدند انتظار داشتند دولت جا های معینی را به آنها اختصاص دهد بهمین دلیل بمحض ورود به شهر در اطراف فرمانداری و دفترها دسازندگی اجتماع کردند اما پس از مدت کوتاهی سردرگمی دریافتند که مجبورند خود بدنبال یافتن محلی برای اسکان باشند، لذا چندین محل را متصرف شدند. حاکمیت تحت فشار توده ها و تصرف انقلابی آنان ناچار شد از طریق مساجد و کمیته ها آوارگان را در محل های زیر اسکان دهد:

۱- کمب B: این کمب بفاصله ۳ کیلومتری از شهر بطرف ماهشهر قرار دارد و متعلق به مجتمع شیمیائی ایران و ژاپن میباشد. در زمان رژیم شاه، این کمب برای سکونت ژاپنی هایی که در

شرکت ایران و ژاپن کار میکردند ساخته شده بود که عمدتاً اطاقهای آن یک نفری و یادونفری است. حدود ۲۵۰۰ خانه پیش ساخته در این کمب وجود دارد. دو آشپزخانه بزرگ و مجهز و سلف سرویس و سایر تجهیزات و وسایل زندگی در این کمب تعبیه شده است که هیچیک از این وسایل در اختیار توده ها قرار نگرفته است. در این کمب اکنون ۱۴ - ۱۶ هزار نفر زندگی میکنند یعنی بطور متوسط در هر اتاق حدود ۵ الی ۶ نفر زندگی میکنند ژاپنی ها غذای خود را در سلف سرویس میخوردند و اطاقها فقط برای استراحت استفاده میکردند در حالیکه آوارگان اکنون مجبورند از همان اطاقها بعنوان آشپزخانه نیز استفاده کنند. تجمع توده ها کمب را بصورت شهرک پر جمعیتی در آورده که هر لحظه در حال انفجار است در روزهای اول اسکان، دولت تحت فشار و اعتراضات توده ها و بخاطر عوام فریبی و تبلیغات، جیره غذایی میداد که هر روز متفاوت بود یکروز نان و خرما، روز دیگر برنج و شیر و... این جیره برای زحمتکشان و خانواده هایی که سرپرست و نان آور خود را از دست داده اند بسیار راحتی بود. در بین آنها کسانی را میتوان یافت که حتی یک ریال هم پول ندارند، کودکانی که رنگشان زرد شده است و زنان جوانی که رنگ باخته اند فراوانند. حکومت، مردم آواره را تحت فشار قرار داده که آنجا را به مقصد جبرفت، کرمان بوشهر و... ترک کنند ولی آوارگان مقاومت میکنند و دولت نیز به کثیف ترین شیوه ها متوسل شده تا بدینوسیله فشار ربا و ردوانها را مجبور به رفتن کند. از جمله جیره غذایی آوارگان این کمب را قطع کرده است. در پی این اقدام ضد خلقی حاکمیت، ۳ راهپیمائی اعتراضی در کمب انجام شده است ولی جواب حاکمیت تهدید بیشتر توده ها بوده است و حتی آنها را به قطع آب و برق کمب تهدید کرده است! پس از قطع جیره غذایی، وضع مردم بسیار بد شده است. گدایی رواج یافته است، کودکان و نوجوانان را هنگام ظهر و غروب کاسه بدست با چشمانی نگران و آژمند پشت در آشپزخانه میتوان دید که در انتظار

بقیه در صفحه ۸

تعطیل دور و روز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

زحمتکشان ایران می پرسند:
میلیونها تومان کمکهای...

بقیه از صفحه ۷

ترجم آ شیزسر میبرند تا شاید از ته مانده جیره سر با زان به آنها بدهد. بهداشت ساکنان کمپ اسفناک است. بوی ادرار و مدفوع، فاضل آب و پروازانبوه مگسها جزء لاینفک کمپ شده است. بچه ها اکثر به چشم درد و اسهال، اسهال خونی، بیماریهای انگلی و... دچار هستند. رژیم جمهوری تعمداً حاضر نیست در بهداشت کمپ همکاری کند تا بدینوسیله بیشتر به آوارگان فشار بیاورد و آنها را بجای دیگری آواره گرداند.

۲- محله ویلیا م به راه: این محله از ۱۶۲ خانه بلوکی و ۳۲۰ دستکاه خانه آجری نیم ساخته بدون در و پنجره تشکیل شده است. که در حال حاضر در بلوکی ها حدود ۴۰۰۰ نفر و در آجری ها ۸۰۰۰ نفر آوارگان ساکن یافته اند. این محله بدلیل دوری از شهر از امکانات کسری برخوردار است. مسجد و کمیته به سر خاواده کمتر از ۷ نفر ۲ تن و به سر خاواده بیشتر از ۷ نفر ۳ تن و ده است! در اینجا فقر بیش از جاهای دیگر است. اگر فقط بکریع ساعت در این محله توقف کنی با اطفال و نوجوانانی که چوک بریدنشان چشیده و جزییی از پوستشان شده رو برو میشوی که از تو نان، لباس، پول، کفش و... می خواهند. بیماری چشم درد فراوان است و بسیار نزدیک شدن سرما، بیماریها زیادتر هم خواهد شد و تعداد بیشتری از زحمتکشان درمانده را قربانی خواهد کرد. مواد سوختی یافت نمیشود و با زحمت بسیار هیزم جمع آوری کرده و با آن پخت و پز میکنند، جمع آوری هیزم نیز مشکل دیگری است.

۳- پارک شهر: هلال احمر در این پارک حدود ۱۰۱ جا در نصب کرده است که تقریباً ۸۰۰ نفر از آوارگان در آن جای داده شده اند. جیره غذایی این زحمتکشان نیز برای تحت فشار قرار دادن آنها برای مهاجرت، قطع شده است و حتی تهدید شدند که چادرها را جمع کرده و پتوها را نیز بس خواهند گرفت! اولی مقاومت زحمتکشان تاکنون مانع چنین کاری شده است. این چادرها در زمستان غیر قابل سکونت خواهند شد. از نظر بهداشتی وضعیت این پارک نسبت به مناطق دیگر قابل تحمل تر است.

۴- مدارس: در سر بندر ۶ مدرسه وجود دارد که همه آنها مملو از آوارگان است. در هر کلاسی دوالی سه خانوار (حد اقل ۱۰ نفر) زندگی میکنند. کمبود مستراح و دستشویی وضعیت بهداشتی خطرناکی را در این مدارس بوجود آورده است. راهرو

ها اغلب کثیف و اطراف مدارس، اردوگاه حشرات است. بوی تعفن و ادرار از مسافتی دور بمشام میرسد. بیماریهای اسهال، اسهال خونی بیماری رایج کودکان است. چند مورد وبا نیز در این مدارس دیده شده است. حدود ۴ هزار نفر در این مدارس ساکن هستند.

۵- محله ۷۰۷ دستگاه: این محله بوسیله ۴۰۰۰ نفر از آوارگان به تصرف درآمده است. اینجا دور از شهر است و علاوه بر مشکل آذوقه، مشکل سوخت نیز دارند. از نظر بهداشتی، این محله از وضع بهتری برخوردار است چون خانه ها سرویس کامل دارند.

۶- نایت کلاب: ۱۵۰ نفر در نایت کلاب که در دوره قیام به آتش کشیده شده و بسیار رکثیف و غیر بهداشتی است ساکن هستند.

۸- پاساژ: این پاساژ در گذشته محل دفاتر پیمانکارها و مقاطعه کارها بوده است که اکنون به تصرف آوارگان درآمده است و جمعا ۳۰۰ نفر در آن ساکن هستند. شستشوی ظروف و لباسها هم به وسیله شیرهای آبی انجام میگردد که در داخل محوطه پاساژ است و چون فاضلاب ندارد موجب جمع شدن آبهای کثیف و تجمع حشرات شده است. بوی تعفن سایر کثافات، بهداشت زحمتکشان را به مخاطره انداخته است.

۹- سایر جاها: بعد از بمباران قسمتی از سر بندر، تعداد زیادی از ساکنین و همچنین عده ای از آوارگان شهر را ترک کرده بودند و خانه های خالی آنها توسط آوارگان جدید تصرف شده است و حدود ۴ هزار نفر نیز در این خانه ها مستقر هستند.

اکثریت آوارگان این شهر را فقیرترین و زحمتکش ترین توده های خلق عرب تشکیل میدهند. روستائینی که فارسی را درست نمیدانند در بین آنان فراوان است. حکومتی که به توده ها اعتماد ندارد و آنها را ملحق نمیکند، زحمتکشان را ناگزیر میکند که خانه و کاشانه خود را رها کرده و آواره بیابانها شوند. آوارگان در انتظار بودند که دولت کمکهای نقدی و جنسی بایر زحمتکشان ایران را که برای آوارگان فرستاده بودند بطور عادلانه تقسیم کند. آنها می دیدند که زحمتکشان سایر نقاط ایران با ایثار تمام مایحتاج اساسی ضروری خود را از قبیل برنج، قند، شکر، خرما و پوشاک ویتو جهت ارسال به آوارگان تحویل ارگانهای دولتی میدهند. آنها می شنوند که انبارها مملو از مواد غذایی و مایحتاج برای آوارگان است. اما دولت نه تنها تاکنون احتیاجات اولیه آوارگان را مرتفع نکرده است، نه تنها کمکهای نقدی و جنسی زحمتکشان کشور را به آوارگان نداده است بلکه مرتباً علیه جنگ زده ها تبلیغ و اقدام نیز نموده است، جیره غذایی کمپ را قطع کرده است و توزیع مواد غذایی در مساجد را تا مدتی متوقف کرده و اینک دوباره به اصطلاح

گاهگاهی چیزی در بین مردم تقسیم میکند مثلاً برای یک خانواده ۱۰ نفری ۲ کیلو آرد برای دو یا سه هفته داده میشود! البته تداوم آن نیز اغلب فراموش میشود تا دوباره صفهای طویل تشکیل شود و اعتراضات توده ها بالا بگیرد و مسئولین بیا در تقسیم مجدد بیا فتند. ۱ یا ۲ کیلو برنج برای سه هفته، یک مشت چای، یک ملاقه کوچک روغن. این حداقل نیز پس از صفهای طولانی و بیس از مشاجرات مفصلی که بدلیل عدم توزیع عادلانه در میگیرد داده میشود. تا زگیها کوپن هائی برای مردم درست کرده اند و در آن برای هر نفر ۲ کیلو آرد برای یک ماه در نظر گرفته شده است!

از وقتیکه مسئله فرستادن اجباری آوارگان به شهرهای جیرفت و کرمان مطرح شده است فشار بروی توده ها

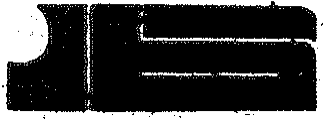
چند برابر شده است. آنها بی کسب سرپرستان خود را از دست داده اند به گدایی و یاب به کارهای خلاف عفت عمومی دست زده اند. چندین مورد فحشا دیده شده است و این پدیده خطرناک بدلیل گرسنگی، فقر و پائین بودن سطح آگاهی توده ها سرعت روبه رشد است. با نزدیک شدن زمستان مشکل توده ها برای تهیه سوخت افزایش خواهد یافت و تلفات جانی و بیماریها زیادتر خواهد شد. بیشتر اطفال با زیر پوش بسر میبرند. خانواده های زیادی را میتوان دید که چندین نفر با یک پتو شب را با لرزه صبح می رسانند.

سر بندر که در حالت عادی نیز از شرایط بهداشتی مناسبی برخوردار نبود اکنون دیگر از این نظر اسفبار و خطرناک شده است. در شهر فقط یک حمام وجود دارد و بنابر آن خانه ها بقیه مناطق مثل کمپ، چادرها، مدارس و... حمام ندارند. این مسئله باعث رشد بیماریها بخصوص در میان کودکان شده است. شهرداری قادر به جمع آوری زباله ها نیست. خیابانها را کثافت پر کرده است. بوی ادرار و مدفوع و آشغال در تمامی نقاطی که آوارگان ساکنان یافته اند هوای آلوده کرده است. فاضل آب، لجن، تفاله های غذا اطراف منازل را پر کرده است. تجمع حشرات و مگسها غیر قابل تصور است. بیماریها سرعت شیوع پیدا میکنند. اسهال، اسهال خونی، سرشوره، شپش زدگی، تراخم امراض جاری کودکان است. وبا نیز در چند مورد دیده شده است. یک بیمارستان و یک درمانگاه شهر نیز هیچ کاری نمیتواند بکند. با فرارسیدن زمستان باید مسئله انتقال آوارگان

تجمع زحمتکشان جنگ زده در شهرهای نزدیک بهم باعث پیوند بین زحمتکشان و توده های شهری شده است و علی رغم تبلیغات مسموم کننده رژیم برای ضد انقلابی نشان دادن آوارگان و فراری خواندن آنها، اکثریت مردم از آوارگان استقبال کرده و حتی در مواردی از حقوق

بقیه در صفحه ۶

باتنگاه به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم



پاسخ به سئوالات

رفیق سوال کرده است که دلیل تشکیل شورای دفاع چه بوده است و تاثیر آن بر تضادهای دو جناح اصلی حاکمه چگونه است؟

مسئله تشکیل شورای عالی دفاع که علیرغم طرح آن در قانون اساسی، مدتسی پس از آغاز جنگ بین دولتهای ایران و عراق در دستور کار دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت، از جمله نمودههای بحران قدرت در ارگان سازش و نشانه تشدید تضادهای درونی دوفراکسیون اصلی هیئت حاکمه است. بهمین لحاظ صدور فرمان تشکیل آن از جانب آیت الله خمینی بمثابة راه حلی جهت تخفیف تضادهای عرضه شد. جناح حزب جمهوری اسلامی از آغاز جنگ سعی نمود از طریق مجلس شورای اسلامی که در آن اکثریت را دارا است و اکنون چون ارگان "قانونی" در خدمت وی عمل میکند، ابتکار عمل در جنگ را از دست بنی صدر خارج سازد. حزب برای نیل به این مقصود، به تلاشی ناموفق دست زد. به طوری که حضور نمایندگان مجلس را در ستاد مشترک طرح نمود و در فسنجانی نیز در جلسه مجلس اعلام داشت که "ملحیاً ادامه جنگ چیزی است که مجلس از آن برکنار نیست و بلکه در احتیاج مجلس است".

(جمهوری اسلامی ۵۹/۷/۷)
لکن جو حاکم بر جامعه و گسترش جنگ مانع پیشبرد مقاصد سیاستهای قدرت طلبانه حزب گردید و ارتش تحت فرماندهی فرمانده کل قوا و ارتشیان حامی این فرمانده همچنان بکفالت معینه نبرد باقی ماند و کشمکش بر سر کسب قدرت برتر بین دو جناح در جریان جنگ روبه فزونی گذاشت و مسأله تشکیل شورای عالی دفاع مطرح شد. ترکیب شورای انفع حزب جمهوری اسلامی است: یک نماینده ثابت از مجلس که ناظر بر امر جنگ خواهد بود، علاوه دو نماینده مجلس که یکی از آنها رئیس مجلس است در غیاب خامنه‌ای و چمران که اعضای ثابت شورا میباشند حضور خواهند یافت اگر چنانچه ویرایش رانیز از معتمدین حزب بدانیم در مجموع میتوان گفت حزب از امتیازاتی برخوردار است چرا که از نظر کمی، اکثریت را دارا است و میتواند علاوه بر امور جنگ، بر مسائل دیگر نیز اعمال نظر نماید، چه بر اساس همین فرمان، تبلیغات و سیاست خارجی در زمان جنگ و انتشار کلیه بیانیها و... بعهد این شورا گذاشته شده است، خصوصاً آنکه شورا "موظف است که در مناطقی جنگی نمایندگان تعیین نماید که سوسله آنها را موراً انجام گیرد و موجب تأخیر نشود" (ماده ۸ فرمان تشکیل شورا)

بدین ترتیب حزب با برخورداری از اکثریت آراء خشنود از این فرمان، وارد شورای عالی دفاع میگردد و سعی میکند بر کل امور نظارت کند و در رویدادها و در سیر تحولات جنگ، سیاست خویش را پیشش برود.

و در همین حاست که فسنجانی که گوئی دژ مستحکمی را فتح کرده اظهار میدارد: "نماینده مجلس در آنجا بعنوان یک عضو صاحب رای خواهد بود" و حتی در مصاحبه‌ای در پاسخ سوال خبرنگاری مینویسد: "آیا این درست است که آقای رئیس جمهور دیگر تنها مسؤول و رئیس ارتش نیست؟" جواب میدهد: "جنگ را الان باید شورای عالی دفاع اداره کند".

(انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۲۲)
اما قبول تشکیل شورای عالی دفاع از جانب بنی صدر و فرماندهان ارتش نه از آن روست که قدرت را به حزب بسیار نندو یا آنها را در قدرت سهیم کنند، بلکه فقط بدین جهت است که همچون گذشته نارسائی‌ها را بگردن شیوه‌های حکومتی حزب بسندازند و گرنه بنی صدر و جناحش همچنان سعی دارند شورا را زیر سلطه خود و در همان شکل و بوشش نظامی حفظ نمایند و معتقدند شورا باید مبتداً به یک ارگان پشت جبهه عمل کند.

بنی صدر در سخنانش پس از تشکیل نخستین جلسه شورای عالی دفاع اعلام میدارد: "با بدروی طرح نظامی پیش رفت" وی میگوید: "اصرار من کسانی که تخصص ندارند این است که اطلاعاتی که دریافت میکنند بدون اظهار نظر بمقامات مسول نظامی منتقل کنند و راجع به جبهه‌های جنگ اظهار نظر نکنند." و فلاحی و فکوری نیز هر یک بنحوی نقش برتری نظامیان را بر شورا مطرح میکنند.

فلاحی میگوید: "آنچه مسلم است حضور شورا در طرح ریزی و نظارت و هماهنگی و بویژه هماهنگی نیروهای مردمی در منطقه یک امر ضروری است و من حضور شورا را بر اساس این اصل که نظارت مستقیم و هماهنگی و همکاری نیروهای مختلف مردمی در منطقه را تأمین میکند، بسیار ضروری و مفید میدانم". فکوری وزیر دفاع، در تالیبی دیگر همین اعتقاد را بیان میدارد: "شورا در جهت هماهنگی خط مشی‌ها جهت از نظر دفاعی و جهت از نظر تبلیغاتی تصمیماتی خواهد گرفت".

(انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۲۲)
حزب ناتوان در اعمال حاکمیت بر شورای عالی دفاع و از آنجا که بی‌بیند "شورا در کیفیت جنگ دخالت نداشته و فقط در مورد آئین نامه‌ها بحث کرده".

(رجائی ۵۹/۸/۱۲ جمهوری اسلامی)

و نیز "تا بحال هنوز واقعیت این است که شورای عالی دفاع در شکل جدیدش هنوز بمسائل جدی نرسیده که عمیقاً دخالت کند و نظریه دهد" (فسنجانی مصاحبه با صدا و سیما جمهوری اسلامی مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳ آبان ماه)

رجائی در تاریخ دوازدهم آبان جلسه شورا را بدون حضور اعضای جناح دیگر در تهران تشکیل میدهد تا شاید بتواند بدین طریق حضور سیاسی خویش را در مسائل جاری مربوط به جنگ تثبیت کند و از این طریق توده‌ها را بسمت خود جلب نماید که با اعتراض شدید جناح بنی صدر و حامیانش مواجه میگردد و عدم رسمیت جلسه بدلیل عدم حضور اکثریت اعضای شورا اعلام میگردد و خامنه‌ای در پاسخ میگوید: "اگر منظور از "مطلعین" که جلسه را بدون حضور آنان بی‌معنی گردانده‌اند، نظامیان باشند، لازم است یادآوری شود که مسئولیتهای شورای عالی دفاع در اتخاذ تدابیر نظامی، خلاصه نمیشود" اکنون بخوبی روشن است داشتن اکثریت آرا در شورای عالی دفاع نتوانسته نقش برتری را در امور مربوط به جنگ برای حزب یا رمغان آورد و بنی صدر با حضور در جبهه جنگ نتوانسته ابتکار عمل را بدست گرفته و خود را مدافع سرسخت دفاع از میهن قلمداد نماید.

اگر تضادهای آشکار دولت موقت بازرگان و حزب توانست بطور موقت در درون شورای انقلاب و با حضور بازرگان در آن شورا شکل پنهانی بخود بگیرد و تضادهای را از نظر توده‌ها پوشیده دارد، شورا عالی دفاع نه تنها تا در به تخفیف بحران سیاسی درون هیئت حاکمه نیست بلکه حتی توان پوشاندن تضادهای توده‌ها را نیز ندارد. اما اینکه جناح حزب ولییرالها هر یک برای کسب رهبری جنگ تلاش میکنند تنها دلیل تلاش دو جناح برای کسب قدرت برتر در ارگان‌های قدرت دولتی است و مکتبی بودن یکی و نظم خواهی دیگری نه بخاطر توده‌ها و آسایش و رفاه آنها که تنها بخاطر سودجویی سرمایه‌داران و غارت و استثمار زهرچشم بیشتر توده‌ها زحمتکش و خلقهای تحت ستم میهنان است.

توضیح و پیوزش

چاپ دنباله مطلب (درباره تبلیغ و نقش آن) بعطت تراکم مطالب در این شماره ممکن نشد، بقیه این مطلب در شماره آینده درج خواهد شد.

لیبرالها، پرچمداران دروغین آزادی

بقیه از صفحه ۴

کمال "آزادی" غارت و چپاول و استثمار خود را ادامه دهد و تولید را تا بتواند بالا برد. آیا بهتر نیست توده ها بپذیرند که انقلاب برای مادیت خشن، برای بهبود وضع اقتصادی، برای تامین کار و مسکن، برای تهیه حداقل وسایل معیشتی نبوده است، تا ما بتوانیم "آزادانه" فریب را بجای نان و کار و مسکن و تمام خواسته های "مادی" توده ها بخورد آنها بدهیم. بنی صدر که خود بعنوان رئیس قوه مجریه در دستگیری صدها و هزاران نفر از نیروهای مبارزو مترقی دست دارد و در مقابل این اعمال حتی کلمه ای نیز سخن نمی گوید، در قبال دستگیری مزدوری چون قطب زاده فریاد "آزادبخوای" "سرمی دهد. او آزادی را برای وابستگان و حامیان امپریالیسم می خواهد. بنی صدر که خود بعنوان رئیس جمهور و هما هنگ کننده سه قوادریورش به تمام آزادیهای دمکراتیک و توقیف و سرکوب تمام نشریات مترقی دست دارد، اینک در

مقابل حمله به روزنامه میزان خواهان "آزادی مطبوعات" گشته است. بنی صدر آزادی را برای سرمایه داران و حامیان آنان میخواهد.

در اینجا روشن میشود که بنی صدر نیز "آزادی" را برای مزدوران امپریالیسم سرمایه داران وابسته و حامیان آنها میخواهد و منظور او از آزادی همانا آزادی استثمار و غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان، آزادی سرکوب و کشتار خلقها و آزادی بسط و گسترش و تحکیم روابط با امپریالیستهاست. اما اینک چه شده است که بازرگان آزادیخواه گشته قطب زاده بر ضد سانسور و اختناق سخن می گوید و فریاد آزادی و دمکراسی از گلویش بیرون می آید؟ لیبرالها و عناصر سرسپرده اپ چون قطب زاده، با زیرکی تمام پی برده اند که سیاستهای ضد دمکراتیک حاکمیت، سرکوب، خفقان و اختناق موجود، چگونه سرعت توده ها را از جمهوری اسلامی جدا میسازد و توهّم آنان را می زداید و بهمین علت است که اینان قصد دارند با شعارهای دروغین آزادیخواهی با حرکات فریبکارانه ای بر ضد سانسور، شکنجه و سرکوب و اختناق در عین لاپوشانی ما هیت ضد خلقی و سرکوبگرانه شان مردم را بسوی خود جلب نموده، در راه اهداف ضد مردمیشان از آنان سوء استفاده کنند. "لیبرالهای" خواهند توده ها را چون وسیله ای در جهت مقابله خود با حزب بر سر قدرت بکار گیرند.

در این شرایط که لیبرالها میخواهند با پنهان شدن در پس شعارهای آزادیخواهانه و اعمال سیاستهای فریبکارانه توده ها

را بسوی خود جلب نمایند، یکی از وظایف بس مهم کمونیستهای ایران، افشای لیبرالهای ضد انقلابی و افشای آزادیخواهی دروغین آنهاست.

باید به توده ها توضیح داد که لیبرالها نیز خائن به خلقند و منافع اقتصادی و سیاسی آنها با امپریالیسم گره خورده است و "آزادبخوای" لیبرالها بمعنی آزادی خیانت است. اما باید در نظر داشت که ما هنگامی در افشای واقعی لیبرالها و شعارهای آنها و نیز منزوی کردن لیبرالها موفق خواهیم بود که پیگیرانه علیه سیاستهای سرکوبگرانه حاکمیت و نقض صریح حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی توده ها پیشقدم باشیم و مبارزه کنیم. تنها با یکجبینی سیاستی است که نه تنها لیبرالها و شعارهای دروغین آنها را افشا میکنیم و آنها را در عمل خلع سلاح مینمائیم بلکه پادوهای بی جیره و مواجب هیئت حاکمه را نیز که در زیر پرچم دروغین مبارزه با لیبرالیسم به بورژوازی خدمت میکنند افشا خواهیم کرد. اپورتونیستهای "کمپه مرکزی" با پیزد لیبرالی خود عملاً به لیبرالها خدمت میکنند. آنها از یکسوی پشتیبانی و تائید و حمایت بخشی از نمایندگان سیاسی بورژوازی که بنقض آشکار و صریح دمکراسی تمایل دارند و میکوشند با زور سرنیزه، باندهای سیاه و سرکوب آشکار، حقوق و آزادیهای سیاسی توده ها را سلب کند، توده ها را بسوی لیبرالها سوق میدهد و از سوی دیگر با حمایت از بنی صدر، موضع لیبرالها را تقویت میکنند.

آنها بنی صدر لیبرال را "دمکرات"، مدافع "آزادی و استقلال"، بنموده ها معرفی میکنند. اما چه کسی است که نداند بنی صدر، این "دمکرات"؛ مدافع "آزادی و استقلال"؛ مدافع بازسازی و ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته، مدافع پر حرارت بازسازی و تجهیز "ارتش شاهنشاهی" حامی کودتایان مزدور، مدافع تجدید روابط گسترده با امپریالیسم، دشمن شوراها و کارگران، دهقانان زوپرسنل انقلابی ارتش، و همان کسی است که در پایمال کردن حقوق و آزادیهای سیاسی توده ها و سرکوب خلقهای کرد و ترکمن، شریک و متحد حزب جمهوری اسلامی است. بنی صدر "دمکرات" ادعائی این اقایان کسی است که از جنبش توده ها هراس دارد و امروز به حلقه اتمالی برای گردآوری طیف وسیعی از لیبرالها و نمایندگان سرمایه های بزرگ تبدیل شده است و در پشت سرا و از بارزگان گرفته تا قطب زاده و ژنرالهای مزدور رژیم شاه سگر گرفته اند. اپورتونیستهای "کمپته مرکزی" این شیفتگان فعالیت قانونی که همواره بدنبال کسب اجازه فعالیت علنی از هراه و به هر طریق هستند، و از آنجا که از تحلیل چشم انداز قدرت گیری جناحهای حاکمه عاجزند، ناگزیرند بین دو جناح قدرت نوسان مداوم داشته باشند. بنا بر این طبیعی است که از سوی اقایان بهشتی و رفسنجانی "ایر دشمنان دمکراتهای انقلابی را که اکنون ماهیت

قابل توجه هواداران و سایر نیروهای انقلابی

اخیراً مشاهده شده که تعدادی عناصر مشکوک و وابسته به رژیم در میدان ولی عصر اول خیابان بولوار کشاورز ضلع شمالی آن با دایر کردن بساط فروش کتاب و روزنامه، سعی دارند با هواداران سازمان ارتباط برقرار نمایند و چنین وانمود می سازند که با سازمان مرتبط هستند. بعلاوه با سر خورد های غیر اصولی و لمپنی هدف بدنام کردن نیروهای انقلابی کمونیست را دنبال می کنند. این عناصر با نامهای کیومرث مجید، جواد و... خود را معرفی می کنند. لازم است رفقای که بنوعی با این افراد ارتباط داشته اند تدابیر امنیتی لازم را بکار برند.

سازمان از این تاریخ به تمام ساواکیها، باندهای سیاه و جاسوسان تازه کاری که با نام سازمان سعی دارند نیروهای انقلابی را شناسائی نمایند هشدار میدهد که هرگونه توطئه بر علیه سازمان بدون جواب نخواهد ماند و از همه هواداران و سایر نیروهای انقلابی می خواهد که بمقابله جدی با اینگونه عناصر بپردازند.

خود و حزبشان برای توده های زحمتکش بیش از پیش افشا شده است نمایندگان "دمکراسی انقلابی" بدانند (و خاضعانده از آنها میخواهند که دست از "تحمّل طلبی" و "تنگ نظری" خود بردارند. یعنی لیبرال فرمیستهای تازه بدوران رسیده را هم به بازی بگیرند)، و از سوی دیگر بر سر بنی صدر لیبرال بنام "دمکرات" و مدافع "استقلال و آزادی" آب تظهير بریزند. بدین طریق است که آنها در عمل به لیبرالها خدمت میکنند. پیگیری کمونیستها در امر مبارزه با خطر دمکراسی و آزادیهای سیاسی و علیه سیاستهای سرکوب و اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها نه تنها با فشا و ایزوله شدن لیبرالها و لیبرال فرمیستهای "کمپه مرکزی" منجر خواهد شد بلکه دمکراتهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق را بیش از پیش بسوی دمکراتیسم انقلابی سوق خواهد داد و مانع در غلتیدن آنها بموضع لیبرالی خواهد شد تا کمتر شاهد موضع گیریهای چون موضع گیری کاملاً مخدوش مجاهدین خلق در قبال دستگیری قطب زاده و نیز حمایت ضمنی آنها از بنی صدر باشیم. موضعی که منجر به مخدوش شدن خط و مرز میان دمکراتیسم و لیبرالیسم شده است، موضعی که ابدان نمیتوانند مورد تائید نیروهای انقلابی باشد. با اعتقاد ما در شرایط کنونی کمونیستها موظفند ضمن مبارزه با سیاستهای سرکوبگرانه حزب جمهوری اسلامی، فریب کاریها و آزادیخواهی دروغین لیبرالها را هر چه وسیع تر افشا کنند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



عوامفریبی هیات حاکمه

بقیه از صفحه ۱
حق از جانب توده های مردم همیشه با همین عنوانها و عوامفریبیها پوشیده شده است. با هنر و زیر آموزش و پرورش ۱۹ آذر در مجلس میگوید "درگیریهای اخیر مدارس از عناصر رنایابی است که هنوز وجود دارند" و در توضیح عناصر رنایابی تاکید دارد بر اینکه "عده های جرات کرده اند، اعلامیه های سرتاپا فحش و تهمت پخش کنند و دایره های آقا ما آزاد هستیم، خوب بچه های ما هم تحمل اینکار را ندارند و ما هم میگوئیم سعی کنید محیط آرام باشد" بنا بر این مبارزه دانش آموزان انقلابی برای شکستن جواختناق ناشی از سیاستهای ضدانقلابی دولت راداد و سیداد قلمداد میکنند و طرح خواسته های برحق شان از قبیل: تشکیل شورای واقعی در مدارس، تشکیل کتابخانه، بازگشت معلمین انقلابی (که در کنار اخراج ساواکیها و رستاخیزیها آنان را به بهانه چپ نما، فدایی، منافق اخراج، تبعید و بازنشسته کرده اند) و نیز اعتراض با اخراج دانش آموزان - فعال انقلابی فحش و ناسزا تلقی میگردد. اکنون در مدارس مسئولین امور تربیتی که نقش جاسوس و مفتش را بازی میکنند به اتفاق انجمنهای اسلامی مدارس، که شاگردگسترش مبارزات دانش آموزان برای آزادی فعالیت های دمکراتیک در مدارس میباشند سعی در تشدید جواختناق در مدارس دارند و به شیوه های مختلف از فعالیت های دمکراتیک دانش آموزان جلوگیری میکنند و همینها هستند تکیه گاه وزیر آموزش و پرورش که میگوید، بچه های ما باید محیط آرام کنند. در مورد همین اعتراضات مسئول امور تربیتی یکی از نواحی گفت "این حرکت در رابطه با شکست عراق در جنگ است و آمریکا میخواهد در جبهه داخلی تفرقه بیندازد" در اینجا این مسئول امور تربیتی ناحیه مبارزات و اعتراضات دانش آموزی را کارا آمریکا میدانند ولی کمی بعد اضافه میکنند که "اصولا" دانش آموزان باید دیدند که مدارس جای فعالیت سیاسی نیست و فقط از طریق امور تربیتی میتوانند آموزش سیاسی ببینند. و در جای دیگری میگوید "عده ای از دانش آموزان که اخراج شده اند بخاطر عدم رعایت تعهدنامه ای بوده است که در موقع ثبت نام داده بودند و جرم آنها فروش نشریات غیر قانونی بی انضباطی و عدم حضور در کلاس میباشد" حال معلوم میشود که اعتراضات و مبارزات دانش آموزی نه کارا آمریکا و نه مربوط به عناصر رنایابی بلکه اینها همه بهانه ایست برای جلوگیری از فعالیت دمکراتیک و

طرح خواسته های انقلابی دانش آموزان و در مورد دانش آموزان فعال انقلابی که اخراج شده اند میگوید "اینها نمیتوانند در مدارس دیگر ثبت نام کنند و آنجا زیر کنترل خواهند بود" (انقلاب اسلامی ۱۷ آذر)
روشن است که کنترل اینان توسط عناصر امور تربیتی (بخوان جاسوسان آموزش و پرورش) و انجمنهای اسلامی در مدارس است. جای که نتوانند حتی با اخراج برخی دانش آموزان در سرکوب مبارزات آنان موفق شوند کلاً مدارس را تعطیل میکنند که در ستان نورستان نمونه بارز آن است و برخی را تهدید به تعطیل میکنند مثلاً عاصمی - انوشیروان - معلم - جاویدان - آزادگان در تهران - این عوامفریبیها ادا نامه دار دور ژیم در هراس از گسترش مبارزات دانش آموزی به تمام بلندگوهای خود متوسل می شود.

خاتمه ای در نماز جمعه ۲۱ آذر ماه در همین زمینه میگوید "این روزها در مدارس ضد انقلاب راه افتاده است و دشمن عده ای را میفرستد به داخل مدارس تا آشوب و بلوا کنند و کلاسها را بهم بریزد با شعارهای بسیار کم اهمیت چرا این معلم رفت چرا آن معلم آمد چرا این درس اینطور شد" بله، این خواسته های دمکراتیک که چرا معلمین انقلابی و دانش آموزان فعال انقلابی اخراج کرده اند، چرا جلوی فعالیت دمکراتیک را برای تشکیل شوراهای واقعی در مدارس و ایجاد کتابخانه ها را گرفته اند و اینکه اداره مدرسه نباید در دست مدیران مترجم و مسئولین امور تربیتی مفتش قرار داشته باشد، همه اینها شعارهای بسیار کم اهمیت است و دشمن فرستاده تا ایجاد بلوا و آشوب شود. مدافعان سرمایه داران و استثمارگران یکی از شیوه های نشان همواره تحمیق مردم و عوام فریبی بوده است. حکومت مدافع سرمایه داران نمیتواند بدون دروغ و ریا حکومت کند و سرکوب مردم را نیز هرگز فراموش نمیکند. واقعیت این است که سیاستهای رژیم در مورد گسترش جواختناق در مدارس با شکست رو بر شده است و مسئولین امور تربیتی و انجمنهای اسلامی در اقلیت هستند و بگفته روزنامه جمهوری اسلامی "مقصرتما ما عتاشات دبیرستان خوان زمی، مجموعه ای است بنا م شورای دانش آموزی که مشتی منافق و فدائی و چپی و راستی و... در آن رخنه کرده و از ورود دانش آموزان معتقد و مذهبی به داخل شورای جلوگیری میکنند" (۲۰ آذر)
همچنین روزنامه جمهوری اسلامی ناآرامیهای مدارس را کار "عواملستون پنجم"، اغتشاش کنندگان، "توطئه گران" و غیره دانسته است. و "لیبرالها" در روزنامه ها ایشان ضمن اشاره به مسائل دانش آموزی اخیر خواسته اند با انعکاس اخبار و مطالب، عوامفریبانه خود را طرفدار آزادی، بیان و بحث آزاد جا برنهند و با صلااح "درگیریهای اخیر

مدارس" را بصورتی جلوه دهند که حزب جمهوری اسلامی نخواهد مدارس را به تعطیلی کشاند. و با شعار مبارزاتی دانشگاہها و آزادی بیان در مدارس رقیب را عقب براند و لی دانش آموزان آگاه و انقلابی ضمن حفظ وحدت عملشان با نیت سیاستهای ضد انقلابی حاکمیت را بر ملا و افشاء کرده و قاطعانه از تعطیلی مدارس جلوگیری نمایند و بطور فشرده و یکپارچه علیه جواختناق در مدارس به مبارزه بپردازند و با تشکیل و حفظ شوراهای واقعی مدارس خواسته های دمکراتیک و برحق خود را مطالبه نمایند. رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند با عوامفریبیها، دروغ پردازیها و دفاع از قانون اساسی و هرگونه فریب و تهدید جلوی اعتراضات و مبارزات برحق دانش آموزان و معلمین انقلابی میهنمان را سد کند. تنها مبارزات و مقاومت یکپارچه دانش آموزان انقلابی در پیوند با سایر اقشار خلق است که موجب شکستن جواختناق در مدارس و بطور کلی در جامعه خواهد بود.

منتشیر شد



۴ مقاله از زینین

۱- انحلال طلبان افشاء میشوند

۲- مبارزه برای مارکسیسم

۳- از سخنرانی در اولین کنگره سراسری درباره آموزش و پرورش ۱۳۵۸

۴- سخنرانی در دومین کنگره سراسری معلمان اترانسپونال (۱۳۵۸)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



بحران انقلابی

و

دو خط مشی در انقلاب

و. ای. لیس

ببروز مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران



اعتراض دانش آموزان علیه سیاست‌های هیئت حاکمه در مدارس

مردم و غیره را ببار آورده است. حاکمیت که خود را حافظ منافع توده‌ها وانمود می‌سازد در دست درچنین شرایطی دست به تعطیل مدارس و اخراج و تصفیه دانش آموزان مبارز و انقلابی می‌زند.

دانش آموزان مبارز و انقلابی می‌زنند! در چند روز اخیر شاهد انحلال چندین مدرسه از جمله دبیرستان آزادگان بوده ایم. در این دبیرستان هنگامی که مسئولان امر دست به اخراج دانش آموزان انقلابی و آگاه زدند با فریاد اعتراض صدها تن دیگر از دانش آموزان انقلابی روبرو گشتند. مدیر دبیرستان که از اعتراضات بحق دانش آموزان به هراس افتاده بود رو با صفات نه خود را کنار کشید و دانش آموزان را برای گرفتن پرونده‌های خود به آموزش و پرورش شهر ری فرستاد. اما این توطئه به اینجا ختم نشده و هنگام ورود محصلین به محوطه آموزش و پرورش یکی از مزدوران با گرفتن عکس از دانش آموزان یکی دیگر از روشهای ساواک شاهنشاهی را باخاطر آورد. زمانی که محصلین با فریاد اعتراض برای گرفتن دوربین داخل دفتر رئیس رفتند پسرک مزدور با کمال بیشرمی چاقوی خود را به روی دانش آموزان کشیده و با مشت و لگد به جان آنها افتاد و از طرف دیگر مسئول آموزشی (ملکی) به کمیته و شهریارانی تلفظ کرده و در عرض ۵ دقیقه ساختمان آموزش و پرورش پرازیپا سدا روپا سبان گردید. حالا در همین زمان مادرانی که همراه بچه‌ها آمده بودند از این حرکات بشدت ناراحت شده و می‌گفتند در زمان شاه بچه‌ها را اخراج می‌کردند و می‌زدند و می‌کشتند خلاصه به ما ظلم می‌کردند و حالا هم شما دولت‌مندان دست نظام آریا مهری را از پشت بسته و حتی از عناصر چاقوکش هم در محل آموزش و پرورش برای سرکوب فرزندان ما استفاده می‌کنید چرا بعد از هفتاد هزار کشته‌ای که دادیم باز هم باید چنین وضعی را داشته باشیم.

راستی کمیته‌چی‌ها و شهریارانی برای گرفتن چه کسانی به محل آموزش و پرورش رفتند؟ مگر دانش آموزان چه مسائلی را مطرح کرده‌اند که روسای آموزش و پرورش تا بحد مرگ ترسیده‌اند؟ چرا نمی‌گویند که دانش آموزان مبارز و انقلابی از شورا‌های واقعی و آزادی فعالیت سیاسی در مدارس دفاع می‌کنند، به اخراج معلمین و دانش آموزان انقلابی اعتراض می‌کنند! اینجا جو ختناق توسط انجمن‌های اسلامی را محکوم می‌کنند.

● رژیم جمهوری اسلامی که از فعالیت‌های آگاه‌ها گرانده دانش آموزان سخت‌در هراس است، مدارس شهر درود لرستان را بمدت دو ماه تعطیل کرد و دولتی زیر فشار توده‌ها و پس از آنکه معلمان انقلابی و مترقی را اخراج کرد و نیز بعد از گرفتن تعهدنامه از دانش آموزان، مبنی بر عدم فعالیت‌های سیاسی، مجدداً مدارس را گشود.

موج مبارزات اعتراضی دانش آموزان علیه اختناق‌هایی که هیئت حاکمه می‌خواهد بر مدارس حاکم کند، هر روز گسترش می‌یابد و در اکثر مدارس تهران و شهرستانها، حتی درگیری‌هایی بین نیروهای مترقی و انقلابی از یکسو و نیروهای ارتجاعی وابسته به حزب جمهوری و پاسداران از طرف دیگر رخ داده است. علاوه بر چند مورد شکستگی گردن و کمر و جمجمه، دو مورد نیز دانش آموزان در این درگیری‌ها شهید شده‌اند. با اینهمه اخراج دانش آموزان مبارز همچنان ادامه دارد. بعنوان نمونه خلاصه چند خبر مربوط به مسائل دانش آموزان را می‌خوانید.

● دانش آموزان دبیرستان نرانی عجب- شیر در روز چهارم آذر دست به حرکت اعتراضی می‌زنند و خواستار بازگشت دوتن از معلمین اخراجی خود و یکسره شدن دبیرستان می‌کنند. گروهی از دانش آموزان این دبیرستان باید به کار کشاورزی نیز بپردازند تا زندگی خود را نجات دهند. آنها خواستار یکسره شدن دبیرستان هستند تا بتوانند به کار کشاورزی نیز بپردازند. مدیر ضمن مخالفت با این خواسته دانش آموزان دست به تهدید آنها می‌زند. اعتصاب چهار روز طول میکشد روز هشتم آذر، اطلاعیه‌ای مبنی بر اخراج هفت نفر از دانش آموزان مبارز صادر میشود. موج اعتراض دانش آموزان بالا می‌گیرد، مدیر دانش آموزان اخراجی را به دفتر می‌برد، در آنجا اعضای شورای دبیران، نماینده سپاه پاسداران و بخشدار عجب شیر حضور دارند. در آنجا به دانش آموزان می‌گویند موضوع این است که شماها از سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق طرفداری کرده و خلق کرد را نیز انقلابی معرفی می‌کنید شماها اعلامیه و روزنامه‌های دانش آموزان پخش می‌کنید و دانش آموزان آگاه که آزادی فعالیت‌های سیاسی را یکی از دستاوردهای قیام خونین خلق میدانند در جواب می‌گویند مدرسه یک محیط آزاد است و فعالیت سیاسی هم باید آزاد باشد.

● در دبیرستان آزادگان واقع در کوی سیزده آبان (نهم آبان سابق) درگیری بر سر مقاله‌های شانزدهم آذر ایجاد شد. روزیپا نزد هم‌نیزا مورتریبی مدرسه اطلاعیه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه هر کس فعالیت سیاسی کند به اخراج محکوم میشود. بعد از جریانات بسیار پنج نفر از دانش آموزان با اخراج محکوم شدند - از اینجای ماجرا را با نقل قسمتی از اعلامیه دانش آموزان پیشگام دبیرستان آزادگان دنبال می‌کنیم:

در شرایطی که با جنگ خانمان براندازی که توسط دولت‌های ایران و عراق به زحمتکشان ایران و عراق تحصیل شده است روبرو هستیم و دانش آموزان در غرب و جنوب کشور از خانه و کاشانه خود آواره گشته و زیر بمباران قرار گرفته‌اند و جنگ غیر عادلانه مشکلات و مصائب فراوانی از جمله کمبود رزاق عمومی گمبودن نفت و بنزین بخا موشی‌های شبانه، بمبارانهای هوایی بی‌خانمان شدن بسیاری از توده‌های زحمتکش در مناطق جنگ زده، کشته شدن توده‌های

دانش آموزان دبیرستان پروین اعتصامی این شهر، از روزگشایش مدارس دست به ورزش جمعی زدند و مدیر هم از فردای همان روز با بستن در مدرسه تا ساعت هشت، عکس العمل نشان داد با ادامه ورزش جمعی دانش آموزان در خیابان، مدیر دوتن را اخراج کرد و با مقاومت و تحصن سایر دانش آموزان روبرو شد. بعد از چند روز دانش آموزان برای جلوگیری از تفرقه اندازی و دخالت پاسداران، تصمیم گرفتند به کلاس بروند و اعتراض خود را بصورت اعتصاب‌های مقطعی ادامه دهند اما همان روز دوبار با صلاح دانش آموز عضو بسیج بنامهای آسیه و اشرف ساکنی، با تحریک مدیر و ناظم مدرسه، با چاقو و زنجیر به متحصنین حمله و عده‌ای را مضر و مجروح کردند. دانش آموزان پیشگام درود ضمن اعلامیه‌ای که در ۱۵ آذر منتشر کردند نوشتند:

ما دانش آموزان پیشگام ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه:

۱- خواهان بازگشت بدون قید و شرط دو دانش آموز اخراجی به مدرسه می‌باشیم.

۲- خواستار مجازات مسببین و عاملین حمله به دانش آموزان دبیرستان پروین اعتصامی و جلوگیری از تکرار این اعمال وحشیانه هستیم.

۳- هر نوع تضییع حقوق صنفی-سیاسی دانش آموزان را محکوم و خواستار رعایت این حقوق از جانب مسئولان آموزش و پرورش می‌باشیم.

۴- اخراج معلمین آگاه و مترقی را محکوم و ضمن حمایت از مبارزه به حق آنان خواهان بازگشت آنان بکار می‌باشیم. در پایان از کلیه دانش آموزان هوادار می‌خواهیم که با تمام توان خویش در جهت افشای سیاست‌های حاکمیت که اهدافی چون بستن مدارس، اخراج نیروهای انقلابی از مدارس و ایجاد فضای اختناق و تفتیش عقاید را دنبال میکند هر چه وسیعتر تلاش و ورزشند.

● جوانان انقلابی رضوان شهر و حومه نیز طی اعلامیه‌ای بتاریخ چهاردهم آذر به جریاناتی که در مدارس و بخصوص در شهر خودشان می‌گذرد اشاره کرده و مینویسد:

"با توجه به اوضاع خطیر کنونی و دستگیری چند نفر از دانش آموزان و مبارزین انقلابی رضوان شهر و حومه که چند روز است موجب اوجگیری مبارزات دانش آموزان و تعطیل مدارس گشته است، توجه دانش آموزان انقلابی را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱- با توجه به شرایط حساس کنونی و ریزش توهم توده‌ها نسبت به حاکمیت، به افشای کل هیات حاکمه و بورژوازی لیبرال مکار که می‌کوشد مبارزات توده‌ها را به انحراف بکشد، بپردازند.

۲- با وحدت انقلابی و ورزشنده همه نیروهای ضدامپریالیست - دمکرات، صف نیروهای انقلاب را تقویت و اپورتونیس را درهمه اشکال آن، افشاء کنند.

۳- با طرح شعارهایی از قبیل: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" - "ساواک‌های مدارس منحل باید گردد" - "شوراهای واقعی تشکیل باید گردد" - "آزادی سیاسی حق مسلم ماست"

صبح تیرباران ناگهان ...

بقیه از صفحه ۱۶

رفیق همایون، منتظر لحظه تیرباران چند ساعت در بندماند. رفیق در این ساعت ها، بارفتار انقلابی، تا توانست زندان را به حال و هوای معمول بازگرداند: با همبندان گفت و گو کرد. صدایش با آهنگی دلپذیر هوای خفه بند را می لرزاند. بسادگی یک رزمنده انقلابی بر می خاست. گام بر می داشت می نشست. هر حرف و هر حرکت همایون چون کارد در چشم و در قلب دشمن می نشست. دشمن همایون را به بند باز گردانده بود تا روحیه یک انقلابی و روحیه زندان را در هم شکنند اما رفیق همایون قلب تمام زندانیان را با رفتار انقلابی به آتش کشید و دشمن را خوار و در هم شکسته بر جای نهاد.

پاسداران دوباره آمدند... و رفیق همایون را بردند. رفیق همایون دلاورانه، با همان گام ها و با همان لبخندی که از اراده ای شکست ناپذیر پرتو گرفته بود، از بند رفت ...

نگاه زندانیان به حیاط دوخته شد. رفیق در حیاط زندان، در جایگاه تیرباران، با تکانی تند و انقلابی، نگذاشت چشمانش را ببندد و صدایش مثل رعد در زندان پیچید: "مرگ بسیر امیرالایم جهانی، به سرکردگی آمریکا و یایگانه ها خلیش"

رفیق، در برابر جوخه آتش ایستاده بود و هنوز گلوله های جنایت و سرمایه بر سینه پرشورش نیاریده بود که دیگر بار طنین صدایش با آهنگی پرشکوه، خاموشی حیاط زندان را در هم شکست: "ای پرچمدار ستمکشان"

دشمن را بر خاک و خون نشان

و بدینگونه ایستا دو خون جوانش ستاره سرخ آرمان کارگران شد. رفیق شهید، علی رضا همایون پریزاده، دانشجوی دانشکده اقتصاد اهواز بود.

رفقای شاخه لرستان از رفیق بعنوان مبارزی منضبط پرشور و شجاع و پیگیر یاد می کنند.

رفیق زندگی سیاسی خود را در سال های ۵۷-۵۶ آغاز کرد و از همان آغاز کار با پیوند ناگسستنی میان تئوری و پراتیک، پیشبرد خلاق امر مبارزه طبقاتی را فراروی خود نهاد. رفیق در همین سالهای دانش آموزی توانست با جنبش دانشجویی پیوندی بد و تجربه اندوز جوان جنبش شود. با آغاز قیام خونین و پرشکوه بهمن ماه، زندگی سیاسی رفیق افقی تازه یافت. بعد از قیام، در جهت پیوندی عمیق تر با نیروهای انقلابی گام هایی سترک برداشت در مکتب ها و راه پیمایی ها کوشش های پر شور و خستگی ناپذیر بود. تبلیغ و ترویج نظرات سازمان - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کانون آتشین حرکت های مبارزاتی اش شد. در جریان افشاکری تبلیغاتی بر ضد انتخابات مجلس خبرگان به دست پاسداران شوشر

دستگیر شده روز دربار زدا شتگاه دز فول ماند و با زردریای پرتپش جنبش زحمتکشان به حرکت درآمد. سال ۵۸ وارد دانشگاه اهواز شد و در صفوف دانشجویان پیشگام با دریافتی عمیق تر از آرمان سرخ کارگران، در پیست پر خروش مبارزات پیش رفت. رفیق همایون در آبان ۵۹، هنگامی که آتش جنگی ارتجاعی میان دولت های ایران و عراق برافروخته شده بود و زندگی زحمتکشان را در شعله های خود می سوزاند به دست نیروهای "سپاه ویسیج" دیگر بار دستگیر شد و پس از یک نرزه روز با پیکری که شکنجه های قرون وسطائی نشان داشت در سحرگاه سوم آذرماه پنجاه و نه به جوخه آتش رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی سپرده شد. شوق رهایی کارگران و دیگر زحمتکشان ضریبان زندگیش بود و در این راه با انتقاد و انتقاد از خود، کوچکترین اشتباه را نشان می کرد و می زدود و تجربه های تازه می اندوخت و در بونته، آزمون مبارزه صیقل می پذیرفت. رفیق همایون هیچگاه از آشنائی با دیگر نظرات درون جنبش رویگردان نبود، با مطالعه تحلیل های "کار ۳۵" در مبارزه با بدشلولوی بورژوازی قاطعیتی تازه یافت و با طرح انتقاداتی روشن پرده از رزمها مآ میز تحلیل های بر می گرفت و در این کار از برخورد های غیر اصولی و بورژواگونه برخی از رفقا پروائی نداشت. بی امان به تبلیغ و ترویج انتقاد می پرداخت. انتقادی که چون پتک بر خمیره ناخالص و آرایه دار تحلیلها فرو می آمد و عنا صر غیر پرولتاری آن را آشکار می کرد. رفیق مسئول در دبیرستان بود و توانست هواداران را در جریان مبارزه با بدشلولویک فعال کند و هم از این روال رفیق سلب مسئولیت شد.

رفیق همایون در جریان انشعباب نظرات انقلابی سازمان را سنجید و با تکیه بر متون مارکسیستی و طرح انتقاداتی چند، تحلیل سازمان را یگانه راه رهایی زحمتکشان به ریشری پرولتاریا دانست و با شوقی فزاینده بر دامنه فعالیت های انقلابی در سازمان افزود. رفیق هواداران را برای شناخت نظرات سازمان هدایت کرد، ضرورت مبارزه با اپورتونیزم و ریزیونیزم را به هواداران آموخت و بر لزوم مرز بندی قاطع با آن تاکید ورزید و در این راه هیچ کوششی را فرو نگذاشت. با دشواری های سیاسی و تشکیلاتی بطور خستگی ناپذیر در آویخت

رفیق از همان آغاز جنگ به سازماندهی توده ها پرداخت. ماهیت ارتجاعی جنگ را سرسختانه افشاء کرد، شعار "دفاع از میهن" بورژوازی را برای زحمتکشان با زبانی ساده و روشن شکافت و سوسیال شوونیست ها را بردبارانه زیر ضرب گرفت و شگفت نیست که چهره ای چنین شکوهمند، به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و حضور در جبهه های مقاومت در برابر آتش تیرباران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی با چشمان باز سرود خوان شود و طنین انقلابی صدایش، خاموشی حیاط زندان را در هم شکند:

"ای پرچمدار ستمکشان دشمن را در خاک و خون نشان."

آرم سازمان را بروی سنگ قبرم حک کنید

بقیه از صفحه ۱۶
اگر هرگز دنیا مدم گریه نکند. به همه بگوئید من یک فدائی بودم راه فدائیان خلق را دنبال می کردم و رهنمود های راهمواره از سازمان را برافتخار چریکهای فدائی خلق می گرفتم. مراد خضر، کنار ما درم به خاک سپارید و آرم سازمان را بروی سنگ قبرم حک کنید. دیگر فکر مبه جائی نمی رسد. بدیهای مرا ببخشید.

فرزند شما، هادی ۱۳۵۹/۸/۲۵
رفیق هادی اشکافی در سال ۱۳۳۸ در آبادان متولد شد. در سال ۵۵ دیپلم گرفت و با وجود تشرع عمیقی که از مرگ نابهنگام ما در داشت، لحظه ای از پای نایستا دو چون موج در جنبش خلقهای قهرمانان ایران علیه رژیم فاشستی پهلوی، حرکتی پر شور داشت. رفیق پیش از آنکه به سربازی اعزام شود، چندی در بندر خمینی نگهبان کارگاه شرکت K.C.S. بود در همین مدت کوتاه در میان کارگران محبوبیت یافت و توانست در افشاء حاکمیت برای کارگران نقشی موثریابد و از دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی مسائل جنبش را به میان کارگران برسد. چهره رفیق در "گانتین" شرکت، هنگامی که با رزگان در میان کارگران افشاء می کرد بر آستی فراموش نشدنی است.

رفیق پیش از جنگ ایران و عراق در بحبوحه سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد را هی کردستان شد و در جهت تقویت جنبش مقاومت خلق کرد کوشید در این سفر بدست پاسداران دستگیر شد و چهار روز در زندان رومیه ماند که به میا نجیگری پدرش - پیش نماز مسجد سنی های خرمشهر آزاد شد.

رفیق پرشور و مردم جوش بود. زبانی ساده و گیرا داشت و مسائل جنبش را با زبانی ساده ای برای توده ها بازمی گفت رفیق چه در سربازی و چه در جبهه بیشترین نیروی خود را برای آموزش و تبلیغ در میان سربازان به کار می گرفت. می گفت سربازان فرزندان خانواده های زحمتکش اند. وقتی آنها آگاه شوند هر کدام می توانند یک خانوادده را آگاه کنند!

رفیق در راه تحقق آرمان سرخ کارگران می کوشید، با جانی که یکبار چه آتش مبارزه و عشق به خلق بود. خستگی نمی شناخت. جیب ها، آستین ها، ساقه جوراب و بغلهاش پر از روزنامه کار، تراکت، بیانیه، و جزوه های سازمانی بود و در جبهه مقاومت خلق امان نداشت. از سنگری به سنگری می رفت و شبها می ایستاد و در جبهه می پراکنده سرانجام که روز بیست و نهم آبان پنجاه و نه در جزیره "شلجه حاج حسین" ترکش خمپاره پیکر پرشورش را به خون کشید.

نگاهی به ...

بقیه از صفحه ۱

دشمنان اصلی انقلاب را از زندگیشان کوتاه خواهند نمود.

با روی کار آمدن دولت موقت بازرگان امیدهائی در دل دهقانان بوجود آمد، اما بزودی سرکوبهای بیرحمانه از یکسو و آشکار شدن ماهیت سیاست دولت در برابر خودبا دهقانان باعث آن شد که جنبش دهقانی بسرعت درهمه جا گسترش یابد. دولت بازرگان سعی نمود با ارائه "لایحه زمینداری" که به زمینهای بایر مربوط میشد، سرونه "مساله زمینزاهم" بیاورد. اما پاسخ دهقانان در بسیاری از مناطق بدولت موقت یک چیز بود، اقدام مستقل برای مصادره اراضی زمینداران بزرگ. دولت بازرگان اقدام دهقانان برای مصادره اراضی فئودالها و بورژوا ملاکها را "تجاوز و تصرف عدوانی" اعلام کرد. سپس برای آنکه بدین سیاست ضدهقانان جامه عمل بپوشانند، زمینداران بزرگ و فئودالها را در بسیاری از مناطق از جمله در فارس، کردستان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان مسلح کرد. سیاست فریب و سرکوب دهقانان که توسط دولت لیبرال بازرگان دنبال میشد با اوج گیری جنبش دهقانی در این دوره با شکست کامل مواجه شد. دهقانان فریاد حق طلبانه خود را علیه مظالم و بیعدالتی و جپا و لگربهای فئودالها و ملاکین رسانر نمودند.

پس از سقوط دولت بازرگان، شورای انقلاب انجام همان رسالت را در دستور کار خود قرار داد، با این تفاوت که این بار جارو و جنجال درباره از بین بردن زمینداری بزرگ و تبلیغات سیاسی حاکمیت برای فریب دهقانان، بوسیله قانونی که حکم اعدام را در مورد دهقانانی که دست بمصادره املاک بزرگ میزدند، در نظر میگرفت، کامل تر کرد. در این دوره سیاست حاکمیت عبارت از آن بود که از یکسو وعده اصلاحات ارضی و مصادره اراضی زمینداران بزرگ و واگذاری آن به دهقانان بی زمین و کم زمین داده می شود و از سوی دیگر سرکوب قهرآمیز دهقانان مبارزه پیش برده میشود. در این دوره هیئت های هفت نفره که مرکب از دو نماینده وزارت کشاورزی، یک نماینده وزارت کشاورزی با استناداری محل کنفرانس جهاد سازندگی یک نماینده دادگستری یا دادگاه انقلاب و دو نفر نماینده شورای ده تشکیل می شود.

با این ترتیب مشخص میشود که حاکمیت شرکت دهقانان در تقسیم اراضی و اجرای اصلاحات ارضی دمکراتیک توسط تشکلهای خود دهقانان همچون شوارهای دهقانی را نفی کرده و بنا بر ماهیت خویش حاضر به قبول یک اصلاحات ارضی دمکراتیک که منفع اکثریت توده های روستائی یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین باشد نیست. شورای انقلاب نیز اگر چه اکثریت آنرا رهبران حزب جمهوری تشکیل می

دادند، همان تلاشهای لیبرالها را در مورد زمین ادا نمیدادند. البته مسلمان بشیوه ای پوشیده تر و در نتیجه عوام پسندانه تر، شیوه ای که دولت رجائی نیز پس از پایان یافتن کارشورای انقلاب، و رسمیت یافتن کار دولت جدید بدان متوسل شد. این شیوه اخیر که در حقیقت بیانگر سیاست حزب جمهوری اسلامی در "مساله ارضی" است سعی میکند تا با شعارهای انقلابی در حرف، همان سیاست ارتجاعی لیبرالها یعنی دفاع از منافع زمینداران بزرگ و سرکوب مبارزات دهقانی را در عمل به پیش برد.

اما شعارهای دهان پرکن حزب جمهوری اسلامی نمیتوانست برای دهقانان زحمتکش و رنج دیده ایران قانع کننده باشد. دهقانان بنا بر خصلت طبقاتی و خصوصیات سیاسی و فرهنگی شان بیشتر به عمل متکی هستند تا به حرف. بهمین جهت مبارزات مستقل دهقانان هیچگاه تحت تاثیر تبلیغاتی که دولت در رابطه با اصلاحات ارضی و وظایف هیئت های ۷ نفره براه میانداخت حتی تخفیف هم پیدا نکرد. تلاشهای دهقانان که با روحیه ای انقلابی در جهت درهم کوبیدن قدرت اجتماعی ملاکین و زمینداران - بزرگ و برای مصادره اراضی تمام اراضی آنان پیش میرفت، از جانب دولت با متوقف کردن اجرای بند (ج) قانون اصلاحات ارضی پاسخ داده شد. این امر در حقیقت نتیجه اعمال قدرت ارتجاعی رهبران روحانیون و دستگاره رهبری حزب جمهوری اسلامی بوده است که بخوبی معنای حقیقی با اصطلاح هولاداریشرا ز توده های مستضعف را به تجربه و در مقابل دیدگان میلیونها توده فقیر و ستمدیده ایران، آشکار ساخت.

آری، اینجاست که توده های میلیونی خلق بخوبی درک میکنند که آنجا که منافع حیاتی و غیر قابل گذشت سرمایه داران و زمینداران بزرگ مطرح میگردد هیچ تفاوتی میان لیبرالهایی نظیر بازرگان و بنی صدر و سردمداران حزب جمهوری اسلامی موجود نیست. اگر چه رهبران حزب جمهوری اسلامی، بازرگان و بنی صدر را در خط امپریالیسم آمریکا میدانند اما این امر به هیچوجه مانع از آن نیست که آنها نیز همان سیاست لیبرالها را در "مساله ارضی" که یکی از مسائل بنیانی انقلاب دمکراتیک ایران است، پیگیرانه دنبال کنند.

لغوبند (ج) توسط سه تن از روحانیون (بهستی، منتظری، مشکینی) و سپس مصاحبه اخیر آیت الله ربانی شیرازی عضو شورای نگهبان بخوبی ماهیت سیاستهای حزب جمهوری اسلامی را در مورد مساله زمین که چیزی جز دفاع از منافع زمینداران بزرگ نیست، آشکار نمود.

لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، همانطور که در گذشته نیز نشان دادند هر دو خواهان سرکوبی جنبش دهقانی و دفاع از زمینداران بزرگ هستند اما هر یک بشیوه خاص خود، اولی (یعنی لیبرالها بویژه در شرایط کنونی که بیش از پیش قدرت خود را در دستگاه دولتی از دست داده اند)

این هدف ضدا انقلابی خود را با الفاظی در مورد "دمکراسی" می آرایند و سخنان پوچ درباره آزادی و برابری میزنند. و با این ترتیب معلوم میشود که آزادی مورد نظر آنان که، "شورای شورا" و در حقیقت آزادی کار - گران و دهقانان زحمتکش برای مرگ از گرسنگی است و دومی یعنی حزب جمهوری اسلامی با شعارهای بظاها انقلابی و هوا داری از مستضعفین مبارزات دهقانان را بخاک و خون میکشد.

اما دهقانان زحمتکش میهنمان که بیش از پیش بمنافع طبقاتی خود آگاه میشوند، تمام اعمال ضدا انقلابی حاکمیت را کناره رزده و مبارزات دمکراتیک خود را گسترده تر خواهند کرد. با تلاش پیشروان طبقه کارگر و نیروهای کمونیست دهقانان بتدریج درک خواهند کرد که بدون پیوند با جنبش طبقه کارگر، مبارزاتشان بر علیه زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم، هیچگاه به پیروزی قطعی و نهائی منجر نخواهد شد.

اعتراض دانش آموزان ...

بقیه از صفحه ۱۳

محصل، اتحاد، اتحاد، اتحاد "شورا، شورا سنگر دانش آموز - معلم مبارز هم رزم دانش آموز" مدرسه را به دژ مبارزات دانش آموزان تبدیل کنند.

۴- با توجه به شرایط اختناق در رضوانشهر همه نیروهای انقلابی باید از دانش آموزان بخواهند که به مدارس رفته و با اصرار بر خواسته های فوق به ویژه آزادی زندانیان سیاسی و تشکیل شوراهای واقعی مدارس و وظیفه خود را نسبت به امر انقلاب به انجام رسانند.

• دانش آموزان پیشگام اورمیه در رابطه با جوی که میخوردند بر مدارس حاکم میکنند موج اخراج دانش آموزان و معلمین انقلابی، اعلامیه ای به تاریخ دهم آذرماه انتشار داده اند که در بخشی از آن مینویسند:

"رفقای دانش آموز؛ وظیفه ما است با روشن کردن علل واقعی اخراج دانش آموزان و معلمین، با افشاء سیاستهای ضدمکراتیک حاکمیت و آگاهی دادن به توده های دانش آموزان و وحدت عملمان دانش آموزان و معلمین انقلابی را به مدارس بازگردانیم. هما نظوریکه، تاکنون تعدادی از دانش آموزان در نتیجه سیاستهای ضدمکراتیک آموزش و پرورش و روسای دبیرستان ها از مدارس اخراج شده اند و هم اکنون تعداد ۲۲ نفر از محصلین انقلابی دبیرستان دخترانه لعیا از طرف رئیس ناحیه آموزش و پرورش اورمیه و رئیس دبیرستان تهدید به اخراج شده اند. به هوش باشیم و با وحدت و یگانگی خود از اخراج این دانش آموزان انقلابی دبیرستان لعیا پیشگیری کرده و تصمیمات ارتجاعی ضدا انقلابی رئیس ناحیه اوروسای دبیرستان لعیا را نقش بر آب سازیم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



جنبش مقاومت خلق کرد و

بخشی
از اعلامیه:

جنگ غیرعادلانه دولت های ایران و عراق

... جنابیتهای دولت جمهوری اسلامی در کردستان ایران شرایطی را بوجود آورده تا رژیم عراق قدر تبلیغات خود اینطور وانمود سازد که این رژیم برای نجات اخلق کرده و خلقهای ایران است که با دولت ایران می جنگد، این ادعای مزورانه و سراپا دروغ از طرف رژیمی مطرح میشود که هزاران روستای کردستان عراق را با خاک یکسان کرده و صدها هزار نفر از مردم زحمتکش کردستان عراق را آواره شهرهای ایران و عراق نموده و صدها انقلابی کرد و عرب عراق را شهید نموده است. بنا بر این روشن است که ادعاهای دولت عراق و عوامل مزدورش در کردستان ایران هرگز نمیتواند زحمتکشان کردستان ایران را که در پیوند نزدیک با زحمتکشان کردستان عراق قرار دارند بفریبد و از این مهمتر ارتش ضد خلقی رژیم عراق در حالیکه با بمب ناپالم، موشکهای با برد متوسط و بلند، توپخانه سنگین خانسه و گاشانه مردم زحمتکش خوزستان را مورد حمله قرار میدهد، در کردستان نیز شهرها را بمباران میکند، در اواخر مهر هواپیماهای عراقی با بمباران شهر سردشت، سی تن را شهید و دهها نفر را زخمی کرده است، همچنین دولت عراق قدر این منطقه به عوامل ملی نظیر اویسیها، پالیزیانها، بختیارها و هواداران نشان کمکهای مالی و تسلیحاتی میکند، کمکهایی که مسلماً علیه خلق زحمتکش کرد و همه خلقهای ایران بکار خواهد رفت.

این مسلم است که رژیم ضد خلقی عراق هرگز نمیتواند حامی خلقهای ایران و بویژه خلق زحمتکش کرد باشد، ولی این رژیم ارتجاعی بدلائل زیر:

اولاً نمیتواند در چند جنبه وسیع به جنگ بپردازد
ثانیاً بعزت درگیری هایی که در کردستان عراق با نیروهای انقلابی دارد
ثالثاً بعزت اینکه خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آن در مقاومت حماسه آفرینشان علیه یورشهای وحشیانه دولت جمهوری اسلامی، به تجربیات سیاسی و نظامی مهمی دست یافته اند که این تجربیات را مسلماً و بخوبی میتوانند علیه تجا و زات رژیم عراق بکار گیرند.

نمیتواند به یک تعرض گسترده از مرزهای کردستان ایران دست زند. رژیم بعث عراق حملات خود را به منطقه کردستان بنحوی تنظیم میکند که تمام آن بخش از ارتش جمهوری اسلامی که برای سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد در این منطقه وجود دارد در همین جا باقی بماند تا هم جبهه دولت جمهوری اسلامی در منطقه خوزستان تقویت نشود و هم جنبش مقاومت خلق کرد در جدی رشد نکند که بتواند به نیروی علیه رژیم عراق تبدیل شود و در مجموع مانع همکاری نیروهای انقلابی ایران با نیروهای انقلابی در عراق گردد.

اکنون در برابر نیروهای انقلابی و مترقی وظیفه ای سنگین قرار دارد. باید از جنبش مقاومت خلق کرد که ستاره تابناک جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است دفاع نمود و هم در مقابل تجا و زات دولت بعثی عراق به کردستان ایران مقاومت نمود.

بنظر ما هرگونه گرایش خود بخودی و یا آگاهانه ای که بخواهد به تعرض دولت عراق به کردستان ایران کم بهاداده و یا بخواهد از این رژیم ضد خلقی در جهت اهداف جنبش مقاومت استفاده کند عملاً به خدشه دار شدن و سرانجام نابود شدن جنبش مقاومت خلق کرد کمک کرده و هم بوظیفه انقلابی خود که پشتیبانی از انقلابیون عراق است عمل نکرده است و مضافاً اینکه آب با سیلاب تبلیغات عوام فریبانه جمهوری اسلامی و اپورتونیست ها که به جنبش مقاومت خیانت کرده اند ریخته است.

بنظر ما بدلائل خود بویژه ای که در این منطقه حاکم است نیروهای انقلابی و ترقیخواه باید بخشی از نیروهای مسلح توده ای شان را برای مقابله با تعرضات رژیم عراق به کردستان ایران تخصیص دهند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان اعلام میدارد که بنا بوظیفه انقلابی و اتترناسیونالیستی خود و بنا بموقعیت موجود در کردستان ایران، در مقابل تعرضات دولت ضد خلقی عراق با تکیه بر نیروهای مسلح توده ای ایستادگی نموده و در این راه با تمام نیروهای انقلابی ایران و نیروهای انقلابی عراق همکاری، هماهنگی و اتحاد عمل خواهد داشت.

خلق قهرمان کرد؛ نیروهای انقلابی!

دولت جمهوری اسلامی با تبلیغات عوام فریبانه خود در صدد این است که مبارزه قهرمانانه خلق رزمنده کرد و تعرض رژیم ضد خلقی عراق را در اذهان توده های زحمتکش سراسر ایران یکسان جلوه دهد.

ما نشان میدهیم هر جا که توده های مردم مسلح، زیر رهبری نیروهای انقلابی باشند در مقابل هر تعرضی که بآنان صورت گیرد ایستادگی خواهند نمود و ادعاهای دستگاههای تبلیغاتی جمهوری اسلامی و اپورتونیست های اکثریت کمیته مرکزی "پوچ و بی اساس است. اطمینان داریم با اتکا بقدرت توده های زحمتکش، جنبش مقاومت خلق کرد در این آزمون دشوار روپرفراز و نشیب موفقیتهای بزرگ بدست خواهد آورد و پوزها امپریالیست ها و همه دشمنان خلقهای ایران را بخاک خواهد مالید.

زنده باد پیوند مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران و عراق
مستحکم باد پیوند جنبش مقاومت خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران برهبری طبقه کارگر
نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان
۱۳۵۹/۸/۹

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند.

● ترور چهارتن از رهبران
خلق السالوادور، فاجعه
ترور چهار رهبر خلق
ترکمن را زنده کرد.

کشتار جنايتکارانه چهارتن از رهبران جنبش انقلابی خلق السالوادور در هشتم آذر، موجی از نفرت و انزجار را در سراسر جهان برانگیخت. عکس العمل داخلی و جهانی این جنايت آنچنان وسیع و فوق العاده بود که مقامات دولتی و ارتشی انتصاب این جنايت را بخود "قویا تکذیب کردند"، آنها این جنايت را به گروهی تروریستی بنام "ماکزیمیلیا بوهرناندر" یعنی یک "باندسیاه" نسبت دادند تا باین ترتیب جنگال های خونی خود را پنهان کنند.

اگر برای مردم جهان کشتار ۴ تن رهبران خلق السالوادور جلوه ای دیگر از سیاست سرکوبگرانه و جنايتکارانه و در عین حال نمودار استیصال رژیم دست نشانده السالوادور است اما برای مردم ایران تداوم کننده کشتار ۴ رهبر خلق ترکمن رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی توسط جمهوری اسلامی است. شایسته واقعه آنقدر زیاده است که گوئی حکومت السالوادور جمهوری اسلامی را نسخه واحدی استفاده کرده اند.

به سیر وقایع در راسته با این جنایت نگاه کنیم: ابتدا از بدین رهبران جنبش انقلابی؛ بدین آن شکنجه و اعدام آنان، رها کردن اجساد چهار تن از آنان در سزکراه های اطراف یا بدخت؛ سپس صدور اعلامیه گروه شبه نظامی راست کرای ماکزیمیلیا بوهرناندر، و قبول مسئولیت این جنایت و آنوقت "رداسها مات" توسط مقامات دولتی در مورد تنه ها و اعلام اینکه: "ما ورکنند ما هیچگونه دستي نداشته ایم و از همه مضحک تر این است که سفیر ایالات متحده آمریکا در السالوادور از مرگ رهبران "چپ گرا" و بالاخره انتظار حکومت السالوادور که مردم همه این صحنه سازیها و دورغ پردازیها را باور کنند!!

اما، ده ماه پیش در ایران چه گذشت؟ ۴ تن از رهبران خلق ترکمن توسط سپاه پاسداران انقلاب دزدیده چند روز بعد از آن جسد شکنجه شده و اعدام شده شان در جاده "جنگل گلستان" نزدیک بجنورد رها میشود، بدینال آن دولت اعلام میکند که یک گروه شبه نظامی بنام "فدائیان خلق ترکمن" مسئولیت کشتار این رهبران را بعهده گرفته است، مقامات دولت، سپاه پاسداران بقیه در صفحه ۶

پتك است خون من، درد است کارگر
داس است خون من، درد است برزگر

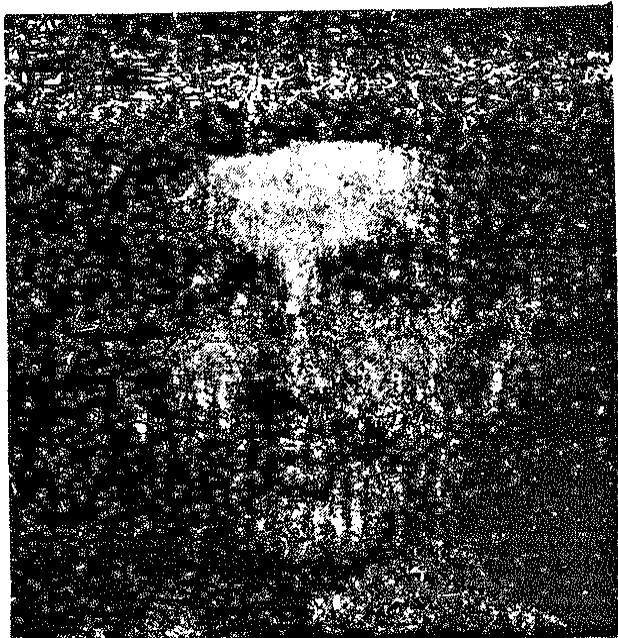
گرامی باد خاطره فدائیان شهید رفقا:

هادی اشکافی و علیرضا همایون پرنزاده

صبح تیرباران، ناگهان صدای
همایون در حیاط زندان پیچید:
"ای پرچمدارستمکشان"

دشمن را در خاک و خون نشان"

در سکوت سنگین سحرگاه تیرباران، زندانیان، رفیق همایون را دیدند: رفیق همایون در محاصره پاسداران - دلاوران گام برمی داشت، بالحنه ای از اراده ای شکست ناپذیر پیرتسو می گرفت. پاسداران رفیق را بردند تا در حیاط زندان به حوضه آتش جنايت بسیارند.

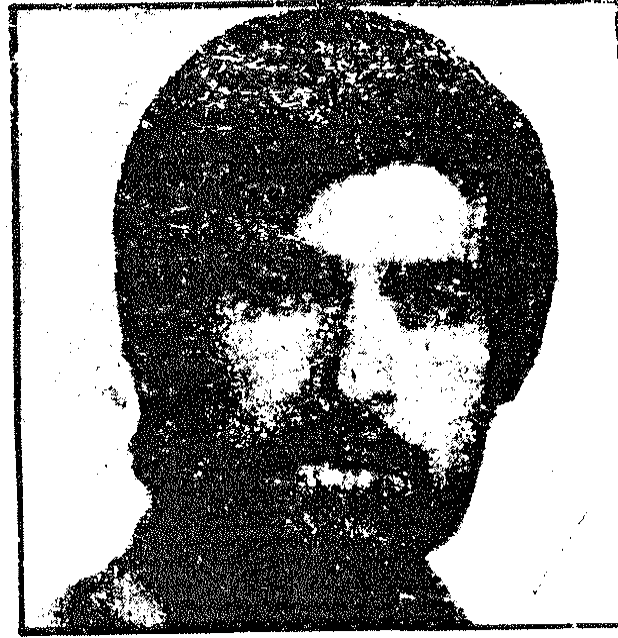


زمان به سنگینی سرب بر زندان و زندانی می گذشت... گلوله های جنایت اما شلیک نشد!!
رفیق همایون با همان گام و با همان لبخند به بندبازگشت، نگاه زندانیان سرشار از امید و آتش و پیرش بود. رفیق همایون با سادگی شکوهمندیک انقلابی گفت: "می گویند با ید برای تیرباران منتظریم اما نم چون آمبولانس نیامده است تا بعد از تیرباران مرا ببرند!!".....
وزندانیان مبهوت از این رفتار سراسر جنایت آمیز مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، با خشمی فروخورده خاموش ماندند!!

بقیه در صفحه ۱۴

"آرم سازمانم را بر روی سنگ
قبرم حك کنید."

رفیق هادی اشکافی، مبارزی جستجوگر، پر شور و خستگی ناپذیر بود. رفیق در جبهه های جنگ ارتجاعی میان دولت های ایران و عراق در برابر نیروهای مزدور رژیم ضد مردمی عراق، دوشا دوش زحمتکشان می جنگید و همزمان ماهیت ارتجاعی جنگ و رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی را برای زحمتکشان افشاء می کرد و بدینگونه امر مبارزه را در جهت منافع زحمتکشان پیش می برد و وفادار به آرمان سرخ کارگران مبارزه طبقاتی



را در درون جبهه های جنگ نیز عمیق می بخشید و گسترش می داد.
رفیق در نامه ای کوتاه می نویسد:
پدر... چند روز پیش یکی از همزمان عزیزم را در جبهه حرم شهر اردست دادم. ضربه بزرگی بود ولی برای هدف یگانه ای که داشتیم این راه نابدی می شد. من این جنگ راهیگاه قبول نداشته ام و قبول نخواهم داشت. تمام فجایع و خرابی های این جنگ به دوش زحمتکشان مردود کشور است. نیروهای هژموند کشور را ید به مرزهای خود برگردند. ما خواهان صلح هستیم و...
بقیه در صفحه ۱۴

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و
پایگاه داخلی